دوفصلنامه
مطالعات بین‌رشته‌ای
در تعالی معماری و شهرسازی

Doi: 10.30495/JISAUD.2023.1977504.1038

شبه‌رمانتیسم‌گرایی آمرانه حکومت پهلوی اول در شهر بندر انزلی: تحلیل شکل‌گیری و تحقق دوره رمانتیک بندر انزلی در دوره پهلوی اول از دیدگاه منورالفکران

عرفان خصم افکن نظام*[1]، مصطفی کیانی هاشمی[2]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹

صفحه ۲۱۷ تا ۲۵۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

اشتیاق نوستالژیک برای «گذر از سنت به مدرنیته (تجددطلبی)» و «بازگشت به گذشته‌ی با اقتدار و پُرشکوه (ملی‌گرایی)»، عصاره‌ی جهان‌بینی «شبه‌رمانتیسم ایرانی» در دوره‌ی پهلوی اول را تشکیل می‌دهد. این جهان‌بینی و فلسفه‌ی فکری که ادبیات و معماری تنها یکی از عرصه‌های ظهور آن بود و در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی، در قالب جنبش‌های روشنفکری محرک ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی ایرانی به عنوان راهی به منظور یکپارچگی و توانمند ساختن ایران در حکومت رضاخان شد و موجب تبدیل ایران به کشوری دارای ثبات و امنیت پایدار شد. یکی از راه‌های پیاده‌سازی «نظریه شاهنشاهی رضاخان»، هنر و به ویژه، بهره‌گیری از معماری بود. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ این سوال است که جهان‌بینی شبه‌رمانتیسم ایرانی در راستای مشروعیت‌بخشیدن به اقدامات تجددطلبانه حکومت پهلوی اول، چگونه و با چه شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی در معماری بناهای دولتی شهر بندر انزلی تجلی پیدا کرد؟ آیا تصویر ساخته شده توسط حکومت با نظر منورالفکران هم‌راستا بود؟ لذا پژوهش از نوع کیفی و کاربردی و با استفاده از روش تطبیقی- مقایسه‌ای از طریق روش مطالعات کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در کنار گفتمان فرهنگی پهلوی در جهت تحقق رویکرد تجددگرایانه‌اش از طریق معماری در قالب ساخت «بناهای دولتی» با الگوگیری از معماری اروپائی، می‌بایست ساخت تصاویر ذهنی در شهروندان از طریق همراهی منورالفکران آن دوره در قالب ارایه‌ی «گزارش‌ها و سفرنامه‌ها» را جهت ترغیب شهروندان برای نوگرایی و تجدد را هم باید در نظر بگیریم. تقریبا بعد از فرآیند تجددگرایی دوره پهلوی اول بود که شهر انزلی برای نخستین بار به عنوان «تفرج‌گاهی» برای تهرانیان درآمد که ترجیح می‌دادند اوقات فراغت خود را در این شهر بگذرانند تا جایی که همگی آن را «فرنگستان ایران» می‌نامیدند. با توجه به نتایج تحقیق، شاهد تحقق «عصر رمانتیک شهر بندر انزلی» در دوره پهلوی اول هستیم.

واژگان کلیدی: رمانتیسم، شبه‌رمانتیسم ایرانی، پهلوی اول، تجددگرایی آمرانه، معماری بناهای دولتی، بندرانزلی

[1] دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی ، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)erfannezam@yahoo.com
[2] دانشیار دانشکده معماری، گروه معماری، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

۱. مقدمه

رمانتیسم هم تکاملی تدریجی بوده است و هم انقلاب؛ به این معنی که نتیجه و تأثیر کلی آن روند تکاملی، جنبه‌ی انقلابی داشته است؛ چون موجب زیر و رو شدن نظریه‌های مربوط به آفرینش هنری، ملاک‌ها و معیارهای زیبایی، آرمان‌ها و شیوه‌های بیان شده است (سید حسینی، ۱۳۸۵: ۱۸۰). در این دوره، هنر دیگر جامه‌ای نیست که به منزله‌ی زیوری طبیعت را بیاراید، بلکه خود طبیعت، هنر است؛ طبیعتی که هنرمند با حُسن سلیقه از روی یک حالت برجسته‌ی آن نقاب برمی‌دارد، اینجاست که مشاهده می‌شود چگونه بذر سمبولیسم در بطن رمانتیسم وجود دارد. موضوع واقعی هنر بیان‌کننده‌ی «باطن و کُنه» اشیاء است و این جز از طریق انتقال هر چیز در قالب «تشبیه» امکان نخواهد داشت (تیژم، ۱۳۷۰: ۱۷۸– ۱۸۰). در تاریخ تحولات هنری غرب، شاید هیچکدام از مکاتب هنری به اندازه‌ی رمانتیسم همه‌گیر و گسترده نبوده‌است. رمانتیسم به معنی خاص و تاریخی آن، اساسا پدیده‌ای اروپایی است. فرهنگ و تمدن اروپا در سیر تاریخی خود از دوره‌ی رنسانس و روشنگری می‌گذرد و به وضعیت فرهنگی و اجتماعی خاصی می‌رسد. این وضعیت تاریخی ویژه که انسان اروپایی در گذر از عصر کلاسیک به عصر مدرن در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم آن را طی می‌کند، رمانتیسم نامیده می‌شود (بانی‌مسعود، ۱۴۰۰: ۲۳۷). در ایران نیز، این وضعیت تاریخی با تحولاتی که از دوران انقلاب مشروطه در اواخر قرن سیزدهم هجری‌شمسی آغاز شد و در اوایل قرن چهاردهم با کودتا و حکومت خودکامه رضاخان برای گذر از دوران سنت به عصر مدرن ادامه یافت، دوران شبه‌رمانتیسم نامیده می‌شود. در دوره رضاشاهی با برآمدن هویت نوپدید سیاسی، به پیدایش سبک جدیدی در معماری ایرانی منجر شد که با این که ابزارها، تکنیک‌ها و رویکردهای طراحی این دوره، خاستگاه‌های متعدد داشتند، همگی در جهت تأمین اهداف تجددگرایانه‌ی شبه‌رمانتیسمی به خدمت گرفته شدند. این رویکرد در ایران کودکی تازه متولد شده و طالب آزادی‌های فردی و عمومی بوده و از آنجایی که این بستر هنوز در ایران فراهم نشده بود، سعی شد تا از هنرمندان خارجی یا افراد تحصیلکرده در کشورهای اروپایی برای تحقق رویکرد شبه‌رمانتیسمی بهره گرفته شود. از سوی دیگر «عامل زمان و مفهوم آن، نقش تعیین‌کننده‌ای در حرکت تحول‌ساز دوره پهلوی اول داشت. موقعیت ثابت و تغییرات کند گذشته به وضعیتی پویا، غیریکنواخت و شتابان دوره‌ی معاصر تبدیل شده بود. کندی سرعت تحولات در گذشته فرصت تطبیق و هماهنگی با نیازهای معماری را ایجاد می‌کرد اما تغییرات اجتماعی جدید، زمان تحولات معماری را نیز دستخوش سردرگمی و نارسایی کرد و به ناچار «معماری جدید با عملکردهای جدید» به پذیرش آن نوع معماری روی آورد که تغییرات و نیازهای اجتماعی آن را پذیرا شده بود (کیانی، ۱۳۸۳: ۱۴۷)». در این راستا روایت ایرانی از سبک‌های رایج در اروپا به ویژه سبک نئوکلاسیک به عنوان عاملی جهت پیشبرد رویکرد آمرانه و رویاپردازانه‌ی تجددگرایی در این دوره محسوب می‌شود که به لحاظ مقیاسات و محدودیت در شیوه‌های اجرا در مقایسه با همتایان اروپایی‌اش محدودتر و کم‌دامنه‌تر بود اما «بناهای دولتی» و شهر که جلوه و شبه‌ای از معماری و شهرسازی نوین اروپا بود، در گفتمان فرهنگی نخبگانی، به عنوان «نماد حکومت مدرن» در این دوره محسوب می‌شد. «منبع الهام از این نوع، عمدتا در «روسیه» یافت می‌شد که نئوکلاسیسیسمی بود که تقریبا هر نوع هدف معمارانه‌ی ممکن را پوشش می‌داد و هم برای ساخت خانه‌های بیرون از شهر، و هم برای تالارهای شهرداری، دادگاه‌ها، ایستگاه‌های قطار، و بناهای یادبود ملی به کار می‌رفت. البته در ایران، دامنه‌ی نئوکلاسیک به ساخت و احداث بناهای حکومتی محدود ماند. نئوکلاسیسیسم در ایران بدون هرگونه مبنای تجربی، نظری یا حتی ایدئولوژیک بود، و هرگز نتوانست به جریانی مسلط در معماری ایرانی بدل شود، و

بیشتر یک شیوه‌ی مرسوم و رایج در معماری بود، که در عصر رضاشاهی شکوفا شد و جنبه‌ی مهمی از برنامه‌ی نوسازی شهری آن عصر به شمار می‌آمد (بانی‌مسعود، ۱۳۹۹: ۴۲- ۴۳)». از همین رو، شناخت و تحلیل چگونگی‌های شکلی، مفهومی، فنی و کاربردی فضای ساخته‌شده با جهان‌بینی شبه‌رمانتیسمی در دوره پهلوی اول که از طریق ساخت بناهای حکومتی- دولتی به منصه‌ی ظهور رسیدند، حائز اهمیت می‌باشد.

۱-۱. سوال تحقیق

الف)بسترها و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و اقتصادی شکل‌دهنده‌ی «شبه‌رمانتیسمی» در ایران، چگونه موجب مشروعیت اقدامات تجددطلبانه حکومت پهلوی اول شد؟ ب)این دیدگاه با چه «شاخص‌هایی» در معماری و شهرسازی در شهر بندر انزلی تجلی پیدا کرد؟ پ)آیا تصویر ساخته شده توسط حکومت با نظر نخبگان(منورالفکران) هم‌راستا بود؟

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر، به روش مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، به صورت تطبیقی صورت گرفته‌است، از نوع کیفی و دارای ماهیت کاربردی می‌باشد که در قالب تحقیقات «توصیفی- تحلیلی- تطبیقی» قرار می‌گیرد. ابتدا با بررسی کتابخانه‌ای مطالعات صورت گرفته در حوزه‌ی «رمانتیسم‌پژوهی در ایران» به منظور استخراج «شاخص‌های شبه‌رمانتیسم ایرانی» صورت پذیرفته تا در ادامه پژوهش، امکان تحلیل و مقایسه تطبیقی نمونه‌های معماری دولتی در شهر بندر انزلی با شاخص‌های شبه‌رمانتیسم ایرانی در راستای اهداف تحقیق، امکان‌پذیر گردد. فرآیند پژوهش حاضر در قالب دیاگرام تصویری، در شکل شماره ۲ قابل مشاهده است.

شکل ۱. مدل فرآیند تحقیق در پژوهش حاضر

۳. مبانی نظری تحقیق

۳-۱. تعریف «رمانتیسم»

رمانتیسم شیوه‌ی اندیشه‌ی جامعه‌ی جدید و بیان جهان‌بینی نسلی بود که دیگر به ارزش‌های مطلق باور نداشت؛ دیگر نمی‌توانست هیچ ارزشی را بی‌آن که درباره نسبیت آن و محدودیت تاریخی آن بیندیشد، باور کند. هر چیزی را بسته به فرض‌هایی تاریخی می‌دید، زیرا به عنوان قسمتی از سرنوشت خود، سقوط فرهنگ کهن و ظهور فرهنگ نو را تجربه کرده بود. اساس رمانتیسم نشانی است از خیزش طبقه متوسط، طبقه‌ای که می‌کوشید خویشتن را از یوغ انحصارطلبی و سلطنت مطلقه برهاند و آن را با فردگرایی رنسانس و اصلاحات، پیوند بزند (ثروت، ۱۳۸۲: ۴۳). این مکتب، واکنش جامعه به فشاری جمعی است که موجب ایجاد توده‌های عقده در ذهن و زبان یک ملت شده‌است (شمیسا، ۱۳۹۳). خصلت «واکنشی بودن» و «نقادانه‌ی» جنبش رمانتیسم به روشنی در تار و پود بافت فکری اندیشمندان در برخورد چندجانبه و لایه‌به‌لایه با پیامدهای مدرنیته‌ی عصر صنعتی قابل ردیابی است. دو دیدگاه در مورد «جوهره‌ی رمانتیسم» وجود دارد: الف)دسته‌ی نخست، بر خصلت «واکنشی و اعتراضی» رمانتیسم تیکه می‌کنند، و ب)گروه دوم «شعارهای مترقی و متجددانه‌ی آن» را که به «انقلاب فرانسه» انجامید، شاهد می‌گیرند (وکیلی، ۱۳۷۹: ۲۳-۲۷). در ادامه سعی شده است تا «شاخص‌های جهان‌بینی رمانتیسم» در نگاه اندیشمندان بین‌المللی در قالب جدول شماره ۲ مورد بررسی قرار گیرد.

جدول ۲. استخراج شاخص‌های رمانتیسم از اندیشمندان و محققان بین‌المللی

	«نام اثر»؛ نویسنده(سال انتشار)	تعریف	
1	**«رمانتیسم و تفکر اجتماعی»؛ رابرت سه‌یر، میشل لووی(۱۳۷۳)**	شاخص‌ها	۱)«نوستالژیا(در آرزوی بازگشت به خانه- جوهر بینش ضدسرمایه‌داری رمانتیک)»؛ ۲)«کشف یا خلق فردوس گمشده: الف)گرایش اول: با تغزلی و هنری کردن زمان حاضر، بهشت را هم‌اکنون در خیال از نو خلق کند. ب)گرایش دوم: استراتژی«غریب‌گرایی(جستجوی گذشته در حال حاضر از طریق حرکتی ساده در مکان- رفتن به کشورهای «غریب» یا کشورهایی که گذشته‌ای بدوی‌تر دارند)». ج)گرایش سوم: فردوس را در آینده‌ی واقعی از نو بسازد(خاطره‌ی گذشته در خدمت مبارزه برای آینده درمی‌آید).
		گونه‌ها	رمانتیسم احیاطلب، رمانتیسم محافظه‌کار، رمانتیسم فاشیستی، رمانتیسم اعتزالی، رمانتیسم لیبرالی، رمانتیسم انقلابی یا یوتوپیایی(رمانتیسم ژاکوبن- دموکراتیک، رمانتیسم پوپولیستی، سوسیالیزم یوتوپیایی- انسانی، رمانتیسم رهایی‌طلب یا آنارشیستی، رمانتیسم مارکسیستی).
2	**«مفهوم رمانتی‌سیسم در تاریخ ادبی»؛ رنه ولک(۱۳۷۳)**	شاخص‌ها	**سیستم معرفت‌شناختی رمانتیسم(طبیعت، تخیل، نماد):** ۱.اعتقاد به خلاقیت ذهن بشر(از لحاظ شعر)؛ ۲.طبیعتی زنده(از لحاظ جهان)؛ ۳.نمادگرایی راستین(اسطوره و نماد از لحاظ سبک شعری)؛ ۴.ذهنی‌گرایی؛ ۵.پیروی از عناصر قرون وسطایی؛ ۶.توجه به فرهنگ عامه.
3	**«مبانی نظری معماری»؛ دیوید اسمیت کاپن(۱۳۸۳)**	شاخص‌ه	**۱)خیال**(تغییر ایده معماری به عنوان یک «مهارت عملی و اکتسابی» به «هنر طراحی و بیان نبوغ شخصی» بر اساس «تخیل خلاق»)؛ **۲)احساس**(مفهوم «بدیع منظر» به معنای «پیچیدگی» و «تغییر ناگهانی و بی‌نظم»)؛ **۳)اراده یا نوگرایی**(ارتباط مفهوم «هویت ملی(ناسینالیسم)» با مفهوم «اصالت» یا «فردگرایی» به معنای بها دادن به فردیت و اصالت یک قوم یا ملت).
4	**«هنر در گذر زمان»؛ هلن گاردنر(۱۳۸۵)**	شاخص	۱)زیست قهرمانانه؛ ۲) شیفتگی به احساس و عاطفه برای به دست آوردن تجربه تازه و مستقل از تأثیرات گذشته؛ ۳) آزادی تحقیق و بیان؛ ۴)عصر بزرگ انتقاد؛ ۵)استفاده از شکل‌های جانشین؛ ۶)خیر و شر در زندگی، هنر و نهادهای اجتماعی» زمینه‌ی فکری رومانتی‌سیسم را تشکیل می‌دهند.

		گونه‌ها	«سبک‌های رومانتی‌سیسم(هر سبکی که موجب تداعی معنی شاعرانه شود؛ یعنی رویدادهای پرعظمت و خاطره‌انگیز روزگاران گذشته را زنده می‌کند)»: ۱)اواخر سده هفدهم: تقلید انگلیسی‌ها از «باغسازی چینی(گیرا یا حیرت‌انگیز در اثر زیبایی بی‌نظم یا غیرعادی؛ طبیعی‌بودن معماری). ۲)اواسط سده هجدهم: نئوکلاسی‌سیسم(کشف دوباره‌ی «هنر و معماری یونان» بر اساس ذوق رومانتیک‌مآب اروپائیان). ۳)رویکرد باستان‌شناسانه(شیفتگی و کنکاوی رمانتیک‌مآبانه «باستان‌شناسانه» برای «پی‌بردن به واقعیت‌ها و مدارک تاریخی»). ۴)نئوکلاسی‌سیسم بین‌المللی(علاقه به گذشته‌ی کلاسیک فراتر از استفاده از عناصر معماری باستانی). ۵)ناسیونالیسم معاصر(ارزیابی نو و تازه از هنر مربوط به «گذشته‌ی تاریخی هر کشور»). ۶)اوایل سده نوزدهم: گوتیک هندی(ترکیبی از گنبدها، مناره‌ها، و تیغه‌های اسلامی)- «معماری نئوکلاسیک» و «گوتیک» بر فعالیت‌های ساختمانی اوایل سده‌های نوزدهم مسلط بود، ولی انواع سبک‌های بیگانه، با اجزای عاریتی از شرق که به طرز خیال‌انگیزی با هم مخلوط شده بودند.
5	**«دگرگونی آرمان‌ها در معماری مدرن»؛ پیتر کالینز(۱۳۸۷)**	شاخص‌ها	الف)شاخص‌های «معماری باز ارزشیابی‌شده- انقلابی»: ۱)حفظ سنت‌ها و ترکیب‌های گذشته از طریق ترجمان آنها به زمان حال؛ ۲)نوآوری در مسائل زیبایی‌شناسانه معماری(مانند: نور، فرم، و ...). ب)شاخص‌های «گرایش به تاریخ‌نگاری»: تقسیم‌بندی معماری به «شیوه‌ها و سبک‌های تاریخی» و بهره‌گیری از آنها در معماری. ج)شاخص‌های «گرایش به مناظر بدیع»: ۱)قرار دادن بنا در میان صخره‌ها و آبشارهای مصنوعی؛ ۲)آرایش نامنظم در باغ‌ها و پارک‌ها؛ ۳)توجه به معماری روستایی؛ ۴)شکل‌گیری مفاهیمی چون:«بی‌نظمی، پیچیدگی، تنوع و عدم‌تقارن» در منظره‌سازی.
		گونه‌ها	**تقسیم‌بندی «معماری رمانتیک»:** ۱)«معماری باز ارزشیابی‌شده- انقلابی». ۲)گرایش به تاریخ‌نگاری. ۳)گرایش به مناظر بدیع.
6	**«معماری و شهرسازی در قرن بیستم»؛ ویتوریو مانیاگو لامپونیانی (۱۳۹۰)**	شاخص	۱)احیای سنت‌های گذشته؛ ۲)حفاظت از آثار تاریخی؛ ۳)چگونگی قرارگیری بناها در یک مجموعه و نحوه‌ی تزئینات، نمایانگر ویژگی اجتماعی و عملکرد. ۴)بهره‌گیری از الگوهای تاریخی؛ ۵)استفاده از سبک‌های سنتی محلی.
		گونه‌ها	۱)«گزیده‌گرایی(التقاطی‌گرایی)»: استفاده‌ی آگاهانه در قالب یک ارزیابی مجدد از ظرایف «باستان‌شناختی» و «مجموعه سبک‌های گذشته» به عنوان گنجینه‌های تاریخی که می‌توان عناصری را از آنها را وام گرفت و به کار برد(احیای سبک‌های رُمانسک و گوتیک). ۲)«تاریخی‌گرایی»: به کار بردن «الگوهای تاریخی» و استفاده از «سبک‌های سنتی محلی» در جهت «رمانتیک‌گرایی ملی».
7	**«نظریه‌های هنر: فلسفه، نقد و تاریخ هنر از زمان افلاطون تا روزگار ما»؛ ژان لوک شلومو(۱۳۹۴)**	شاخص	۱)مکتب رمانتیسم: «روش و شیوه‌ای از احساس کردن». ۲)طراحی باید مانند طبیعت، زنده و پُرتحرک باشد.

با توجه به مرور دیدگاه محققین اروپایی در زمینه‌ی «رمانتیسم» متوجه می‌شویم که برای «معماری رمانتیک» سه جنبه‌ی اصلی قائل شده‌اند و این سه جنبه یعنی «خیال»، «احساس» و «اراده» را به سه قوه درونی انسان مرتبط دیده‌اند. در جدول شماره ۳، تلاش کردیم تا یک مقایسه‌ی تطبیقی بین دیدگاه چهار محقق(گاردنر، کاپن، کالینز و لامپونیانی) انجام دهیم تا همپوشانی‌های مفهومی در این سه جنبه مشخص گردند. در ادامه، به بررسی «مفهوم رمانتیسم در ایران» پرداخته خواهد شد.

جدول ۳. مقایسه تطبیقی «شاخص‌های رمانتیسم» در مرور انجام شده و همپوشانی نظرات اندیشمندان در حوزه معماری

هلن گاردنر	دیوید اسمیت کاپن	پیتر کالینز	ویتوریو مانیاگو لامپونیانی
نئوکلاسی‌سیسم(کشف دوباره‌ی «هنر و معماری یونان» بر اساس ذوق رومانتیک‌مآب اروپائیان). **رویکرد باستان‌شناسانه**(شیفتگی و کنکاوی رمانتیک‌مآبانه «باستان‌شناسانه» برای «پی‌بردن به واقعیت‌ها و مدارک تاریخی»). **نئوکلاسی‌سیسم بین‌المللی**(علاقه به گذشته‌ی کلاسیک فراتر از استفاده از عناصر معماری باستانی).	**خیال**(تغییر ایده معماری به عنوان یک «مهارت عملی و اکتسابی» به «هنر طراحی و بیان نبوغ شخصی» بر اساس «تخیل خلاق»)؛	**شاخص‌های «گرایش به تاریخ‌نگاری»:** رشد «علم تاریخ» و تقسیم‌بندی معماری به «شیوه‌ها و سبک‌های تاریخی» و بهره‌گیری از آنها در معماری.	**«تاریخی‌گرایی»:** به کار بردن «الگوهای تاریخی» در جهت «رمانتیک‌گرایی ملی».
تقلید انگلیسی‌ها از «باغسازی چینی»(گیرا یا حیرت‌انگیز در اثر زیبایی بی‌نظم یا غیرعادی؛ طبیعی‌بودن معماری).	**احساس**(مفهوم «بدیع منظر» به معنای «پیچیدگی» و «تغییر ناگهانی و بی‌نظم»)؛	**شاخص‌های «گرایش به مناظر بدیع»:** ۱)قرار دادن بنا در میان صخره‌ها و آبشارهای مصنوعی؛ ۲)آرایش نامنظم در باغ‌ها و پارک‌ها؛ ۳)توجه به معماری روستایی؛ ۴)شکل‌گیری مفاهیمی چون:«بی‌نظمی، پیچیدگی، تنوع و عدم‌تقارن» در منظره‌سازی.	**«بومی‌گرایی»:**استفاده از «سبک‌های سنتی محلی» در جهت «رمانتیک‌گرایی ملی»(استفاده از سبک‌های سنتی محلی)
ناسیونالیسم معاصر(ارزیابی نو و تازه از هنر مربوط به «گذشته‌ی تاریخی هر کشور»).	**اراده یا نوگرایی**(ارتباط مفهوم «هویت ملی(ناسیونالیسم)» با مفهوم «اصالت» یا «فردگرایی» به معنای بها دادن به فردیت و اصالت یک قوم یا ملت).	**شاخص‌های «معماری باز ارزشیابی‌شده- انقلابی»:** ۱)حفظ سنت‌ها و ترکیب‌های گذشته از طریق ترجمان آنها به زمان حال؛ ۲)نوآوری در مسائل زیبایی‌شناسانه معماری(مانند: نور، فرم، و ...).	**«گزیده‌گرایی (التقاطی‌گرایی)»:** استفاده‌ی آگاهانه در قالب یک ارزیابی مجدد از ظرایف «باستان‌شناختی» و «مجموعه سبک‌های گذشته» به عنوان گنجینه‌های تاریخی که می‌توان عناصری را از آنها را وام گرفت و به کار برد(احیای سبک‌های رُمانسک و گوتیک).

۳-۲. بسترها و زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی شکل‌دهنده‌ی «شبه‌رمانتیسم ایرانی» در دوره پهلوی اول

اگر همانند بسیاری از محققان، «عصر رمانتیک» در اروپا، «دوران گذار از سنت به مدرنیته» به شمار آید (آزبورن، ۱۳۷۹: ۶۳- ۷۳)، ظهور و سقوط حکومت رضاشاه را نیز سرآغاز عبور جامعه‌ی ایرانی از سنت به مدرنیته دانست (Cronin, 2003: 1-13). با این توصیف، «عصر مشروطه» را باید با «دوره رنسانس اروپایی» برابر نهاد. در این دوره، «مکتب رمانتیسم» یکی از اولین مکاتب ادبی اروپایی است که در ذهن و اندیشه‌ی شاعران و نویسندگان ایرانی تأثیر می‌گذارد. «آرمان‌خواهی، آزادی‌طلبی، روح نوجویی، تکیه بر فردیت»، و هماهنگی این مکتب با «روح ستم‌کشیده‌ی ایرانیان (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۵۹: ۲۸)» از مهمترین عواملی هستند که به رواج و گسترش «شبه‌رمانتیسم ایرانی» کمک شایانی کردند. در واقع باید «انقلاب مشروطه» را زمینه‌ساز «جنبه‌های فکری و تئوریک رمانتیسم» و «عصر رضاشاه» را زمینه‌ساز «جنبه‌های اجتماعی» آن دانست زیرا ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) رسمی و رمانتیسمی رضاشاه دو جنبه داشت: فکری و عملی. «خاستگاه‌های فکری ناسیونالیسم جدید ایرانی» را در بستر تاریخی آن، نشأت گرفته بود از: ۱)آگاه شدن به افکار ناسیونالیستی و تاریخ اروپا؛ ۲)آگاهی و توجه نوینی به تاریخ ایران‌باستان؛ ۳)روان‌شناسی ستم‌دیدگان که ترکیبی از خشم و سرافکندگی را با آرمان‌های مینوی و عقده‌ی خودبزرگ‌بینی

یکجا جمع می‌کند. ولی پیش از این که «ناسیونالیسم» تبدیل به مرامی «رسمی» شود، هنوز مفهومی ذهنی بود(نوعی بیان هنری از افتخارات باستان، ناکامی‌های حال و آرزوهای بزرگ برای آینده). هنوز بیش از آن که «ناسیونالیسم حکومت‌کنندگان» باشد، به «حکومت‌شوندگان» تعلق داشت؛ موج نو پویایی بود که تکیه‌گاه عاطفی محکمی در میان روشنفکران متجدد ناراضی داشت. انگیزه‌ی آن، «احساس خشم و شرمساری از بابت افول فرهنگی و عقب‌ماندگی اقتصادی و ناتوانی سیاسی» بود و قوه‌ی محرکه‌ی آن، «دستاوردهای واقعی و خیالی ایران‌باستان». ویژگی‌های نظری و پیامدهای عملی «ناسیونالیسم رسمی رضاشاه»: در «بُعد فرهنگی» ادعا می‌کرد که «ملت» ایران، قوم واحد یک‌دستی است و زبان واحدی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۴۳۷). در این فرآیند که ناظران غربی نیز خود بر این عقیده‌اند که تجدد مبتنی بر غرب‌گرایی در این دوره، بیشتر متکی بر «احساسات» بود تا عقلانیت (کاتم، ۱۳۹۶: ۱۲ به نقل از تقی‌لو و حسینی، ۱۴۰۰: ۷۱– ۷۲).

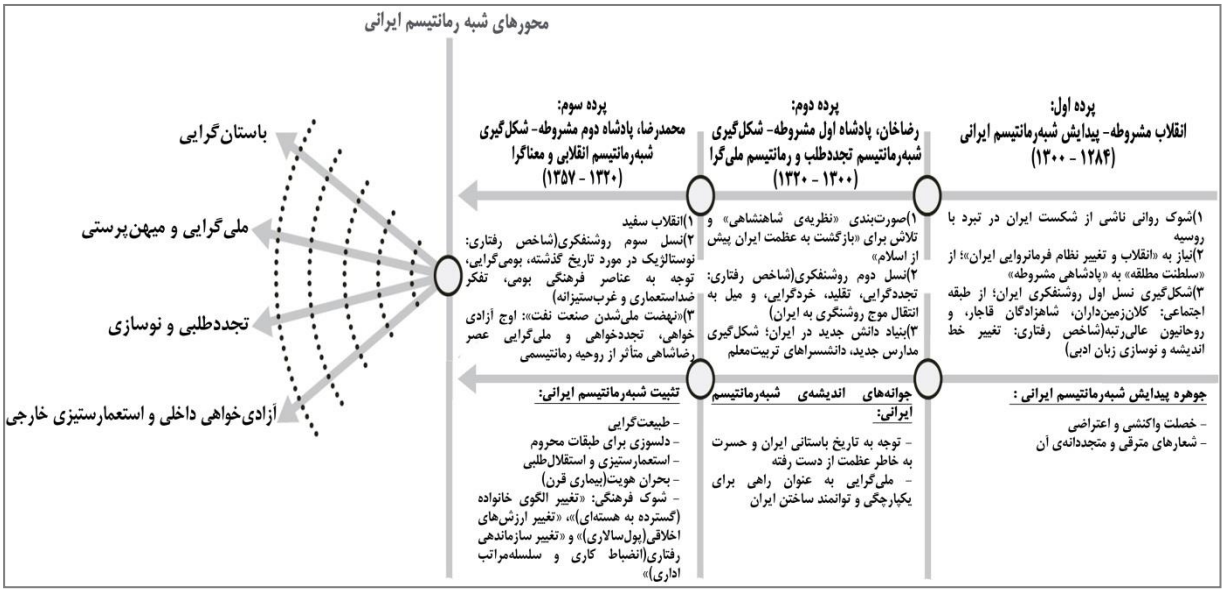

شکل ۲. فرآیند شکل‌گیری «جهان‌بینی رمانتیسمی» و «روشنفکری» در ایران

با روی کارآمدن رضاشاه، فصل تازه‌ای از تحولات سیاسی و اجتماعی ایران آغاز شد؛ این دوره از آن با عنوان «دوره فشردگی نیروهای اجتماعی(فوران، ۱۳۷۷: ۳۷۳)» یاد می‌کنند، عصر «تغییر ساختار طبقاتی جامعه‌ی ایرانی» است؛ دوره‌ای که با احداث کارخانه‌هایی نظیر بافندگی، نساجی، سیمان، قند، ایران در آستانه‌ی ورود به «عصر صنعتی» قرار گرفت. سقوط رضاشاه، اشغال ایران و اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و جهان پس از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش. دوباره زمینه‌ی «رمانتیسم انقلابی» را که در عصر مشروطه و در شعر شاعرانی نظیر عارف قزوینی و میرزاده عشقی امکان ظهور یافته و با روی کار آمدن رضاشاه برای مدتی به افول گراییده بود، مهیا ساخت که با «نهضت ملی‌شدن صنعت نفت» همراه بود؛ اما کودتای ۲۸ مرداد و شکست نهضت ملی، شکست «رؤیای رمانتیک اندیشه سیاسی ایرانی» است؛ از همین رو است که پس از کودتا، روح یأس و ناامیدی ذهنیت روشنفکر ایرانی را تسخیر کرد. رمانتیسم این سال‌ها، منشأیی جز شکست نهضت ملی ندارد. سال‌های پس از

کودتا تا ۱۳۳۷ ه.ش. سال‌های حاکمیت «رمانتیسم سیاه(یا منفی)» بر شعر و اندیشه‌ی شاعران رمانتیک آن ایام است که جز تیرگی هراس و نومیدی و مرگ، رنگ دیگری ندارد(زندیه و اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۲۹- ۱۴۴). برای درک بهتر از «شبه‌رمانتیسم ایرانی»، در قالب جدول شماره ۴، سعی کرده‌ایم تا شاخص‌ها و گونه‌های شبه‌رمانتیسم از نظر محققان داخلی را مورد کندوکاو قرار دهیم.

جدول ۴. استخراج شاخص‌های شبه‌رمانتیسم شکل‌گرفته در ایران از مطالعات و تحقیقات انجام شده در داخل کشور

	«نام اثر»؛نویسنده(سال انتشار)	تعریف	
۱	**«شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب»؛ محمدمنصور فلامکی(۱۳۷۱)**	شاخصه‌ها	«معماری رمانتیک»: ۱)مصالح ساختمانی(سنگ تراش‌دار و آجر) بی‌اندود و بی‌پوشش تزیینی(هم در فضای درونی و هم در شکل خارجی بنا). ۲)چگونگی شکل‌دادن به عناصر ساختمانی: الف)مجلل داشتن فضای معماری(از راه بلند ساختن تناسب میان فاصله‌ی محور ستون‌ها تا سقف و ازدیاد خیز پوشش‌های قوس‌دار در تمامی طول رواق‌های کلیسا و از راه تعبیه‌ی یک طبقه‌ی قابل استفاده در سراسر محور طولی کلیسا و مشرف به همین فضای اصلی). ب)نمایان داشتن شالوده‌ی ساختمانی بنا(خواه به منظور القای خلوص و «یک‌رنگی» با طبیعت، خواه به دلیل آفریدن جوی خشک و سنگین، خواه به دلیل عدم‌اعتقاد(یا دسترسی) به وسایل تزیینی و سطحی). ۳)گرایش به قرینه‌سازی فضای معماری: «تقارن مطلق(طرح‌هایی که دارای محور طولی تقارن‌اند)» و «تقارن شعاعی»- دسترسی به آن را به ویژه در بناهای مذهبی به مثابه تقرب به خدا می‌پندارند. ۴)ساختمان‌های رمانتیک، تقریبا در تمامی سرزمین‌هایی که سازندگان خواستار حرکتی نو بوده‌اند، شالوده‌ی فضایی خاصی را به «مدل» گرفته‌اند که، در تعیین جاها و اندازه‌ها و تناسب‌ها و گنجایش‌ها(در فضای درونی) و نیز در تعیین اندازه‌ها و تناسب‌ها و حرکت‌های حجمی بنا(در شکل خارجی و منظر بنا)، چیزی جز سنتز معماری رومی نیست. ۵) پیکره‌ی بنا، در طول خود، یعنی به موازات سطح و خط افق، تدوین گشته و فهم می‌شود و در معرض شناخت دیگران قرار می‌گیرد. ۶)خصوصیت اصلی هنر رمانتیک، کناره‌گیری از جهان محسوس و خارجی و توجه به عوالم ذهنی باطن خویش است.
		گونه‌ها	۱)«معماری رمانتیک»: اولین بدیل یا آلترناتیو فرهنگ معماری اروپاییان در مقابل تمدنی بیگانه بر اروپا که ریشه در گذشته‌ی بومیان دارند. ۲)«معماری رمانتیسیسم»: اصطلاحی که بودن، اندیشیدن، و ساختن «رومانتیک» را قطب قرار می‌دهد؛ مشخص مجموعه جنبش‌های روشنفکرانه‌ای که پیگیر رجحان احساس بر عقل بوده‌اند؛ زاینده‌ی «ایسم»ها.
2	**«صادق هدایت؛ از افسانه تا واقعیت»؛ محمدعلی همایون کاتوزیان(۱۳۷۲)**	شاخصه‌ها	۱)معتقد به «برتری نژاد آریائی» مطابق با «ذهنیت مدرن اروپائی»؛ ۲)فرنگی‌مآبی در قالب افکار و برنامه‌های مترقی رادیکال؛ ۳)پان‌ایرانیسم(احساسات تند ضدعربی و ضد اسلامی و ترویج دین زرتشت)؛ ۴)احساس خشم و شرم از اضمحلال فرهنگی، عقب‌ماندگی و ضعف سیاسی دوره قاجار؛ ۵) شیفتگی رمانتیک‌مآبانه به افتخارات ایران‌باستان(دستاوردهای واقعی و خیالی)؛ ۶)تجددطلبی ایرانی(شبه‌مدرنیسم- تبدیل یک شبه‌ی ایران به فرانسه و آلمان).
		گونه‌ها	۱)«ناسیونالیسم رمانتیک»: ناسیونالیسم اصولا یک «ایدئولوژی رمانتیک» است(در تمجید و تجلیل از گذشته و حال؛ امیدها و آرزوهایی برمی‌انگیزد که خارج از توان «منابع اجتماعی- اقتصادی» موجود است؛ «ملت» را به صورت یک «کُل سازگار» می‌بینند). ۲)«ناسیونالیسم دولتی(به سبک ناسیونالیسم آلمانی)». ۳)«ناسیونالیسم روشنفکری(به سبک ناسیونالیسم فرانسوی).
۳	**«سرخ، سپید، سبز: شرحی بر رمانتیسم ایرانی»؛ شروین وکیلی (۱۳۷۹)**	شاخصه‌ها	۱)«تفکر اجتماعی رهایی‌بخش(استوار بر سه محور «آزادی، انقلاب و ملی‌گرایی»)»؛ ۲)«اخلاقیات مبتنی بر همدردی»؛ ۳)«فردگرایی(عصر قهرمانان بزرگ)»؛ ۴)«بیماری قرن(ناسازگاری ذاتی شرایط محیطی و کلیشه‌ی «نابغه‌ی منزوی و مظلوم»).
		گونه‌ها	۱)دوره نخست، «عصر مشروطه یا دوره نسخ سنت(دوره «گریز از سنت» و «پذیرش بی‌چون و چرای نمودهای تمدن غربی»)؛ ۲)دوره دوم، «عصر پهلوی اول(«ملی‌گرایی احساساتی» و «شعارهای ترقی‌خواهانه»)؛ ۳)دوره سوم، عصر پهلوی دوم(«بعد از اِشغال ایران توسط متفقین(۱۳۲۰- ۱۳۲۶ ه.ش.)»، دوره‌ی «عصر تجربه» یا «باز افسون‌پذیری»)؛ ۴)دوره چهارم، پهلوی دوم(۱۳۲۹ ه.ش. به بعد): «بومی‌گرایی(توجه به عناصر فرهنگی بومی)» و «رمانتیسم گذشته‌گرا».

۴	**«مکتب رمانتیسم»؛ منصور ثروت(۱۳۸۲)**	شاخصه‌ها	۱)بازگشت به طبیعت(مخالف استبداد و استثمار شهر یعنی ساده‌زیستی، لذت از عواطف ناب و دوری از استثمار هم‌نوع)؛ ۲)مخالفت با خِرد(با آغاز رمانتیسم، هر کشوری به آبشخورهای فرهنگی کهن خود بازمی‌گشت): «فردیت هنرمند، مفهوم جدید از طبیعت، کارکرد ویژه تخیل، ستایش احساسات و شیفتگی بدان، جستجوی امر ساده و طبیعی و دلبستگی بدان» همه نتایج شورش علیه خردگرایی بود. ۳)تکیه بر ضمیر ناآگاه(درون‌نگری). ۴)بیمارگونگی(رمانتیسم تجسم اصلی «بیماری ذهنی» است که انسان را از گیاهان و جانوران متمایز می‌کند).
۵	**«رمانتیسم اسلاوی و بازسازی هویت ملی»؛ محمود فتوحی (۱۳۸۳)**	شاخصه‌ها	۱)همدلی و یگانگی با طبیعت و ستایش طبیعت پاک و دست نخورده؛ ۲)بازگشت به گذشته و به آغاز طبیعت؛ ۳)اصالت فرد ،آزادی بیان احساسات و عواطف و هیجانات شخصی؛ ۴)اصالت تصور و غلبه کشف و شهود بر جهان واقعی؛ ۵)اصالت جهان خیالی؛ ۶)مخالفت با تمدن صنعتی.
۶	**«رمانتیسم، بنیان‌های معرفت‌شناختی و نمود آن در هنر و معماری»؛ مهناز محمودی(۱۳۸۳)**	شاخصه‌ها	۱)«من» و اهمیت ذهنی هنرمند(هنرمند متعلق به اثر است، نه اثر متعلق به هنرمند)؛ ۲)«فردگرایی(هنرمند در اندیشه رمانتیک جنبه مرکزی دارد)»؛ ۳)«تخیل خلاق(رمانتیک‌ها از طریق «تخیل خلاق» به تبدیل و تغییر واقعیت با توجه به «ذهنیت خود» پرداختند)؛ ۴)آزادی در فرم؛ ۵)«الهام(انگیزه درونی هنرمند و واکنش غریزی و ناخودآگاه آن)»؛ ۶)«لذت تخیل(یکی از طریق رؤیت اشیایی که در مقابل چشم ما قرار دارند و دیگری، از طریق اندیشیدن به اشیایی که عملا در حال حاضر در حضور ما نیستند)؛ ۷)«نوآوری(عدم‌تبعیت از الگو)»؛ ۸)«بیانی انقلابی و نوین(بیان‌کننده استانداردهای سلیقه‌ای)»؛ ۹)«عاطفه و احساسات(برانگیختن از طریق سبک معماری گوتیک)»؛ ۱۰)فرم در خدمت محتوا؛ ۱۱)«طبیعت و توصیف بیرونی آن(دیدگاه ارگانیک و زنده)»؛ ۱۲)«بدیع‌المنظر(اشتیاق به «مناظر طبیعی» و «استفاده از عناصر معمارانه رمانتیک»، مانند:«سقف‌های مشبک، قاب‌های تزئینی حکاکی‌شده، پنجره‌های منور» به منظور تداعی معماری قرون وسطایی)».
		گونه‌ها	الف)معماری رمانتیک انگلستان(پیروی از الگوهای معماری قرون وسطایی): ۱)نگاه غیرخِردگرا؛ ۲)توجه به طبیعت و سازگاری؛ ۳)عشق و علاقه به قرون وسطی. ب)معماری رمانتیک فرانسه(پیروی از الگوهای معماری گوتیک): «معماری به عنوان محرک احساس» و «گوتیک» واجد چنین خصیصه‌ای بود و به این خاطر «نئوگوتیک» پذیرفته شده‌بود که موجب تداعی «معانی شاعرانه» می‌گردید(واکنشی را که معماری گوتیک برمی‌انگیزد در درجه نخست، سرزنشی ناشی از ترس و اضطرابی غیرواقعی است که بیننده را به قلمروهای فوق‌طبیعی و هراس‌انگیز می‌کشاند).
۷	**«سیر رمانتیسم در ایران: از مشروطه تا نیما»؛ مسعود جعفری‌جوزی(۱۳۸۶)**	شاخ	الف)رمانتیسم اجتماعی عصر مشروطه: ۱)دل‌بستگی آرمانی به انقلاب و آزادی؛ ۲)هم‌دردی با محرومان و رنج‌هایشان؛ ۳)امید به آینده‌ی آرمانی؛ ۴)میهن‌دوستی و توجه به شکوه از دست‌رفته‌ی ایرانیان؛ ۵)عامه‌پسند(دهه ۳۰).
		گونه‌ها	تقسیم‌بندی سیر رمانتیسم در ایران(از طلیعه مشروطه تا دهه‌ی ۳۰): ۱)دوره اول(عصر مشروطه): رمانتیسم اجتماعی(طبیعی و خودجوش)؛ ۲)دوره دوم(عصر رضاشاه- پهلوی اول): رمانتیسم طبیعت‌گرا(نیما یوشیج و گرایش به طبیعت)، رمانتیسم ناسیونالیستی(ملی‌گرا)، رمانتیسم احساساتی و اخلاق‌گرا(حجازی چهره برجسته این گرایش بود)؛ ۳)دوره سوم(عصر پهلوی دوم- دهه‌ی ۲۰ و ۳۰).
۸	**«سبک‌شناسی «آر- نوو» در معماری معاصر ایران»؛ سعید حقیر (۱۳۸۷)**	شاخصه‌ها	۱)شاخصه‌های رمانتیسم ملی اروپایی(متأثر از ارتباط با آلمان نازی): ریتم در نما، ورودی با عظمت، پنجره‌های مستطیل‌شکل بلند؛ فرم کشیده در جهت افقی. ۲)شاخصه‌های رمانتی‌سیسم ملی ایرانی با بیان مستقیم: استفاده مستقیم از موتیف‌ها و نقوش ابنیه دوران هخامنشی؛ ایوان‌های عظیم و مرتفع در محل ورودی؛ مرکزیت بنا با ستون‌ها و سرستون‌های تزئین‌شده در جلوی آنها؛ پلکان ورودی که به ایوان ختم می‌شود؛ استفاده از ویژگی‌های کاخ‌های دوره هخامنشی برای پنجره‌ها، قاب‌بندی کنگره‌های کنار بام، در حاشیه پلکان؛ شکل متقارن و مرتفع بنا(حاکی از عظمت و قدرت)؛ نقش فَروَهر در بالای ورودی. ۳)شاخصه‌های رمانتی‌سیسم ملی ایرانی با بیان غیرمستقیم(پالایش رمانتی‌سیسم ملی ایران در قالب سادگی احجام و کاهش استفاده از موتیف‌ها): ساده کردن و استفاده از احجام و فرم‌های خالص؛ نیم‌سرستون‌های سنگی با سرستون‌های الهام‌یافته از تخت‌جمشید؛ تفکیک‌های حجمی بنا در ساختار ورودی؛ تغییر فرم ایوان از هخامنشی به صورت ترکیب هنر هخامنشی و ساسانی و نئوکلاسیک خردگرای غرب؛ تأکید بر ورودی؛ ترکیب احجام ساده هندسی؛ پلان با ساختار متقارن؛ تأکید بر خطوط عمودی و قائم برای مرتفع‌تر نشان دادن بنا.

		گونه‌ها	الف)گرایش «خردستیز آر- نوو دوران پهلوی اول»: ۱)سبک «اکسپرسیونیسم»: شیوه اول- اکسپرسیونیسم ایده‌آلیستی(رمانتی‌سیسم ملی اروپایی؛ رمانتی‌سیسم ملی ایرانی: با بیان مستقیم- با بیان غیرمستقیم). شیوه دوم- اکسپرسیونیسم فرمالیستی. ۲)سبک «آرت دکو». ب)گرایش «خردگرای آر- نوو در دوران پهلوی اول»: ۱)سبک «نئوکلاسی‌سیزم خردگرا»؛ ۲)سبک «پره- مدرن».
۹	**«بررسی عناصر رمانتیک در ادبیات و معماری»؛ محمدجواد مهدوی‌نژاد؛ رویا ابراهیمی؛ فاطمه مهبادی (۱۳۹۰)**	شاخصه‌ها	۱)تمایل به احساسات عاشقانه و برتر دانستن عاطفه از منطق؛ ۲)بازگشت به خود و من؛ ۳)الهام از مسیحیت و قرون وسطی؛ ۴)گرایش به رؤیا و تخیل؛ ۵)بیماری قرن؛ ۶)شیفتگی به امور ناشناخته ،عجیب و اسرارآمیز؛ ۷)توجه به طبیعت، جلال و منظره؛ ۸)تمایل به آزادی؛ ۹)تنهایی.
		گونه‌ها	۱)سبک نئوکلاسیک؛ ۲)سبک نئوگوتیک؛ ۳)سبک نئوباروک.
۱۰	**«روح نامرئی شعر فارسی؛ تأثیر عامل‌های سیاسی و اجتماعی عصر پهلوی بر فراز و فرود رمانتیسم فارسی»؛ حسن زندیه، محسن اسماعیلی(۱۳۹۰)**	شاخصه‌ها	الف)رمانتیسم انقلابی: ۱)آرمان‌خواهی؛ ۲)آزادی‌طلبی؛ ۳)روح نوجویی، ۴)تکیه بر فردیت؛ ۵)هماهنگی با روح ستم‌کشیده‌ی ایرانیان؛ ب)رمانتیسم اجتماعی: ۱)ذهنیت‌گرایی؛ ۲)رؤیاپردازی؛ ۳)تخیل؛ ۴)آیینه‌ی زندگی محرومان جامعه؛ ج)رمانتیسم اعتزالی: ۱)از بین رفتن دیکتاتوری؛ ۲)برخوردار کردن مردم از آزادی بیان(دیگر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی)؛ ۳)بروز فردگرایی؛ د)رمانتیسم سیاه: ۱)تیرگی هراس؛ ۲) نومیدی؛ ۳)مرگ(زاییده‌ی ناکامی‌ها و تلخی‌هایی است).
		گونه‌ها	۱)«رمانتیسم انقلابی(عصر مشروطه، در شعر شاعرانی نظیر عارف قزوینی و میرزاده عشقی)»؛ ۲)«رمانتیسم اجتماعی(عصر رضاشاه، دوره «تضادهای اجتماعی»)؛ ۳) «رمانتیسم اعتزالی و فردگرایانه(عصر پهلوی دوم، انتشار «مجموعه‌ی گناه» از «اسلامی ندوشن» و «رها» اثر «فریدون توللی»)»؛ ۴)«رمانتیسم سیاه یا منفی(عصر پهلوی دوم؛ کودتای ۲۸ مرداد و شکست نهضت ملی، در شعر شاعرانی نظیر توللی و نادرپور)».
۱۱	**«رمانتیسم از انگلیس تا ایران؛ نگاهی به جلوه‌های مکتب رمانتیسم در شعر ویلیام بلیک و پروین اعتصامی»؛ مریم خادم(۱۳۹۰)**	شاخصه‌ها	۱)تأکید بر «اصالت احساسات و عواطف» و «دریافت‌های الهامی- شهودی» و کم‌توجهی به عقل و دریافت‌های عقلانی؛ ۲)تأکید بر «توصیف تجربه‌های عاطفی و رویکردهای لطیف»؛ ۳)بهره‌گیری از «تخیل پُرشور و سودازاده» و حسی- عاطفی که در بطن آن، «حسرت‌زدگی نسبت به گذشته‌ها» نهفته است؛ ۴)غلبه‌ی نوعی «نگاه افسرده و سودایی» بر شخصیت و رفتار قهرمانان؛ ۵)توجه به «عناصر ناخودآگاه(خیال نفسانی و غرایز انسانی)» در شخصیت آدمی؛ ۶)مسأله عشق‌های زمینی و بعضا مبتذل(ریشه در مبانی انسان‌شناسی تفکر مدرن)؛ ۷)فردگرایی(پیامد ناگزیر فرآیند صنعتی‌شدن جامعه)؛ ۸)اعتقاد به نوعی «طبیعت ناسوتی»؛ ۹)مخالفت رمانتیک‌ها با جامعه(قیام در برابر ظلم و استبداد در جامعه برای بدست آوردن عدالت، برابری، مساوات، و حق‌طلبی)؛ ۱۰)توجه به طبیعت؛ ۱۱)اعتقاد به الهام(معرفت شهودی)؛ ۱۲)توجه به مقوله «گذر زمان» در آرزوی رسیدن به آینده‌ای دور و دست‌یافتنی؛ ۱۳)توجه به کودکی و کودکان(جستجوی سادگی و پاکی)؛ ۱۴)علاقه به مسیحیت(رمانتیک‌ها از راه احساسات به سوی ایمان می‌رفتند).
		گونه	«رمانتیسم ایرانی(رمانتیسم اجتماعی)»: در اواخر «دوره مشروطه» پدید آمد.
۱۲	**«بررسی تطبیقی مکتب رمانتیسم در اشعار سهراب سپهری و جبران خلیل‌جبران»؛ زهرا صداقتی، زهرا سلیمانی(۱۳۹۱)**	شاخصه‌ها	مؤلفه‌های رمانتیسم در شعر معاصر فارسی و عربی: ۱)طبیعت؛ ۲)مرگ؛ ۳)اندوه و بدبینی؛ ۴)عشق؛ ۵)گریز از جامعه؛ ۶)پناه بردن به عالم مثالی؛ ۷)بازگشت به گذشته؛ ۸)گرایش‌های ملی و انسانی.
۱۳	**«بررسی رمانتیسم و بازتاب آن در شعر حسن هنرمندی»؛ عبدالعلی اویسی کهخا(۱۳۹۱)**	شاخصه‌ها	رگه‌های اصلی رمانتیسم در ادبیات معاصر فارسی: ۱)مرحله‌ی آغازین آن یعنی آشنایی با ادبیات غرب به ویژه ادبیات فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی؛ ۲)و سپس ورود جامعه ایران به عصر جدید پس از انقلاب مشروطیت و طی‌کردن مسیر پیشرفت و ترقی مشابه با دیگر کشورها و پیدایش عوامل اجتماعی، فکری و فلسفی جدید از بطن این تحولات جدید.

		گونه‌ها	ظهور «رمانتیسم» در ایران و تقسیم‌بندی «شعر رمانتیک فارسی»: ۱)دوره اول: عصر مشروطه(از طلیعه‌ی مشروطه تا حدود سال ۱۳۰۰ ه.ش.)؛ ۲)دوره دوم: عصر پهلوی(از حدود ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه.ش.)؛ ۳)دوره سوم: از ۱۳۲۰ ه.ش. به بعد.
۱۴	**«معماری غرب: ریشه‌ها و مفاهیم»؛ امیر بانی‌مسعود (۱۳۹۲)**	شاخصه‌ها	۱)دوره تاریخی رمانتیسم(وضعیت تاریخی ویژه که انسان اروپایی در گذر از عصر کلاسیک به عصر مدرن در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم آن را طی می‌کند)؛ ۲)هر موضوع «جالب و بدیع» که یا گویای «صفا و سادگی روستایی» است یا برعکس به «طبیعتی وحشی و بی‌نظم» اشاره دارد. ۳) هر عنصر رُمانتیک محصول نوعی خیال‌اندیشی و روحیه‌ی نابسامان و آشفته تلقی می‌شود.
		گونه‌ها	«جنبش رمانتیسم» در انگلستان از دو منبع تغذیه می‌شد: ۱)فرهنگ باغ‌آرایی شرقی و عمدتا چینی(پیچیده، متنوع و ناهمگون)؛ ۲)طرح‌های جووانی باتیستا پیرانزی(با چاشنی «حسّ نوستالژیک و آمیزه‌ای از حس تألم و غم» که انسان‌ها به موجوداتی حقیر در مقابل ساختمان‌های غول‌آسای دور از فهم مبدل می‌شوند).
۱۵	***«رمانتیسم در معماری معاصر ایران(با تأکید بر معماری دوره پهلوی دوم پس از سال ۱۳۳۲ شمسی)»*؛ سهیل میری‌نژاد(۱۳۹۲)**	شاخصه‌ها	۱)اهمیت دادن به «خیال(تخیل خلاق هنرمند)» در آفرینش اثر هنری و شکل‌گیری مفهوم «معمار- طراح» در تقابل با «معمار- استادکار(بنّا)»؛ ۲)«بها دادن به عنصر احساس از طریق گرایش به طبیعت بکر و وحشی و الهام از آن در شکل‌دادن به مفهوم بدیع‌منظر در معماری رمانتیک و در نتیجه پیدایش جلوه‌های خاص بصری(رؤیایی) در این سبک»؛ ۳)«رویکردی علمی و بیرونی به معماری تاریخی(تدثیرات ناشی از رشد علم تاریخ و باستان‌شناسی)، که خود مسبب پیدایش و طبقه‌بندی انواع سبک‌های تاریخی در دوره رمانتیک شد»؛ ۴)«پیدایش ناسیونالیسم و تأثیر آن در توجه و تأکید بر گذشته‌های افتخارآمیز ملی»؛ ۵)«بازآفرینی بهشتی گمشده در گذشته‌ها(بازگشت به گذشته و احیای یکی از سبک‌های گذشته)»؛ ۶)«اراده به نوگرایی یا معماری انقلابی که هدف آن، ترجمان سنت‌ها و ترکیب‌های گذشته به زمان حال در رویکردی زیبایی‌شناسانه بوده‌است»؛ ۷)«خصومت با واقعیت و معیارهای متداول ناشی از سرمایه‌داری».
		گونه‌ها	**الف) تعریف «معماری رمانتیک ایران»:** «خصومت با پذیرش مطلق معماری مدرن زیر پرچم ارزش‌های موجود در معماری تاریخی و بومی ایران». **ب)رمانتیسم در دوره پهلوی اول:** ۱.رمانتیسم ملی اروپایی؛ ۲.رمانتیسم ملی ایرانی(سبک ملی) با بیان مستقیم و بیان غیرمستقیم. **ج)«رمانتیسم در دوره پهلوی دوم»: رمانتیسم بوم‌گرایانه ایرانی:** ۱.تاریخ‌گرایان(با بیان مستقیم و غیرمستقیم)، ۲.بوم‌گرایان(گرایش به معماری بومی یا محلی)؛ ۳.سنت‌گرایان(بازخوانی ارزش‌های معنوی موجود در معماری سنتی ایران).
۱۶	***«رمانتیسم در شعر هوشنگ ابتهاج»*؛ محمدامین محمدپور، علی‌اصغر باباصفری(۱۳۹۶)**	شاخصه‌ها	۱)«آزادی»: هنرمند رمانتیک برای خواهش‌ها و احتیاجات روح خود، اهمیت بسیار قائل است. ۲)«شخصیت»: هنرمند از طریق فرمانروایی «من»، خواهش‌های دل و رنج‌های روح را بیان می‌دارد. ۳)«هیجان و احساسات»: در روح آدمی احساس، بیشتر از اندیشه نفوذ دارد و آرزو بیش از حقیقت مؤثر است. ۴)«گریز و سیاحت»: آزردگی از محیط و زمان موجود و فرار به سوی فضاها یا زمان‌های دیگر. ۵)«کشف و شهود»: رمانتیسم، نوعی «درون‌بینی مبالغه‌آمیز» است. ۶)«افسون سخن»: کلمه عبارت از سخن است و سخن، خداست.
		گونه‌ها	الف)«عصر مشروطه: رمانتیسم اجتماعی». ب)«دوره‌ی دوم عصر رضاشاه: ۱)رمانتیسم طبیعت‌گرا؛ ۲)رمانتیسم ناسیونالیستی؛ ۳)رمانتیسم احساساتی و اخلاق‌گرا.
۱۷	***«جلوه‌های مکتب رمانتیسم در ادب معاصر عربی و فارسی(مطالعه مورد پژوهش: شعر علی محمود طه و**	شاخصه‌ها	الف)شاخصه‌های رمانتیسم دوره‌ی مشروطه: دل‌بستگی شدید به انقلاب و آزادی، همدردی با مردم محروم و ستم‌دیده، امید به آینده‌ی آرمانی، میهن‌دوستی، توجه به ایران‌باستان. ب)شاخصه‌های رمانتیسم شعر جناب شهریار: ۱)شکوه از روزگار؛ ۲)ملال و خستگی شاعر از محیط؛ ۳)احساس غم و تنهایی؛ ۴)آرمان‌گرایی؛ ۵)پاسداشت وطن؛ ۶)انعکاس ناامیدی‌ها؛ ۷)عشق و یاد معشوق؛ ۸)طبیعت‌گرایی.

	محمدحسین شهریار)»؛ علی نظری، مهران نجفی حاجیور، پروین خلیلی(۱۳۹۷)	گونه‌ها	۱)رمانتیسم غربی(شکل‌گیری رمانتیسم ایرانی بر اساس سبک اروپایی). ۲)رمانتیسم انقلابی(دوره مشروطه). ۳)رمانتیسم اجتماعی(دوره پهلوی اول).

با توجه به مرور هدفمند مطالعات ایرانی در حوزه شبه‌رمانتیسم شکل‌گرفته در ایران، سعی شده است تا «شاخصه‌های شبه‌رمانتیسم در معماری» چهار پژوهش پراستناد در داخل کشور را در قالب جدول شماره ۵، مورد مقایسه تطبیقی قرار دهیم و سپس به تدوین یک «مدل مفهومی» برسیم.

جدول ۵. مقایسه تطبیقی «شاخص‌های رمانتیسم در مطالعات ایرانی»

میری‌نژاد(۱۳۹۲)	مهدوی‌نژاد و همکاران(۱۳۹۰)	حقیر(۱۳۸۷)	محمودی(۱۳۸۳)
اهمیت دادن به «خیال(تخیل خلاق هنرمند)» در آفرینش اثر هنری و شکل‌گیری مفهوم «معمار- طراح» در تقابل با «معمار- استادکار(بنّا)»؛	- تمایل به احساسات عاشقانه و برتر دانستن عاطفه از منطق؛ - گرایش به رؤیا و تخیل؛	-	«من» و اهمیت ذهنی هنرمند(هنرمند متعلق به اثر است، نه اثر متعلق به هنرمند)؛ «فردگرایی(هنرمند در اندیشه رمانتیک جنبه مرکزی دارد)»؛ «تخیل خلاق(رمانتیک‌ها از طریق «تخیل خلاق» به تبدیل و تغییر واقعیت با توجه به «ذهنیت خود» پرداختند)؛ «الهام(انگیزه درونی هنرمند و واکنش غریزی و ناخودآگاه آن)»؛ «لذت تخیل(یکی از طریق رؤیت اشیایی که در مقابل چشم ما قرار دارند و دیگری، از طریق اندیشیدن به اشیایی که عملا در حال حاضر در حضور ما نیستند)؛
«بها دادن به عنصر احساس از طریق گرایش به طبیعت بکر و وحشی و الهام از آن در شکل‌دادن به مفهوم بدیع‌منظر در معماری رمانتیک و در نتیجه پیدایش جلوه‌های خاص بصری(رؤیایی) در این سبک»؛	- توجه به طبیعت، جلال و منظره؛	-	- «بدیع‌المنظر(اشتیاق به «مناظر طبیعی» و «استفاده از عناصر معمارانه رمانتیک»، مانند:«سقف‌های مشبک، قاب‌های تزئینی حکاکی‌شده، پنجره‌های منور» به منظور تداعی معماری قرون وسطایی)». - «طبیعت و توصیف بیرونی آن(دیدگاه ارگانیک و زنده)»؛
«رویکردی علمی و بیرونی به معماری تاریخی(تأثیرات ناشی از رشد علم تاریخ و باستان‌شناسی)، که خود مسبب پیدایش و طبقه‌بندی انواع سبک‌های تاریخی در دوره رمانتیک شد»؛	- الهام از مسیحیت و قرون وسطی؛ - تنهایی.	شاخصه‌های رمانتیسم ملی اروپایی(متأثر از ارتباط با آلمان نازی): ریتم در نما، ورودی با عظمت، پنجره‌های مستطیل‌شکل بلند؛ فرم کشیده در جهت افقی.	-
«پیدایش ناسیونالیسم و تأثیر آن در توجه و تأکید بر گذشته‌های افتخارآمیز ملی»؛	بازگشت به خود و من	شاخصه‌های رمانتی‌سیسم ملی ایرانی با بیان مستقیم	- «عاطفه و احساسات(برانگیختن از طریق سبک معماری گوتیک)»؛ - فرم در خدمت محتوا؛
«بازآفرینی بهشتی گمشده در گذشته‌ها(بازگشت به گذشته و احیای یکی از سبک‌های گذشته)»؛	بیماری قرن	-	-
«اراده به نوگرایی یا معماری انقلابی که هدف آن، ترجمان سنت‌ها و ترکیب‌های گذشته به زمان حال در رویکردی زیبایی‌شناسانه بوده‌است»؛	- شیفتگی به امور ناشناخته ،عجیب و اسرارآمیز؛ - تمایل به آزادی؛	شاخصه‌های رمانتی‌سیسم ملی ایرانی با بیان غیرمستقیم	- آزادی در فرم؛ - «نوآوری(عدم‌تبعیت از الگو)»؛ - «بیانی انقلابی و نوین(بیان‌کننده استانداردهای سلیقه‌ای)»؛

۳-۲-۱. ارائه‌ی مدل مفهومی پژوهش برای تحلیل نمونه‌های موردی

در این بخش سعی کردیم تا یک مقایسه‌ی تطبیقی بین شاخص‌های (یا مؤلفه‌های) رمانتیسم بین‌الملل با شاخص‌های

شبه‌رمانتیسم ایرانی انجام دهیم، تا «شاخص‌های شبه‌رمانتیسم در دوره پهلوی اول» را استخراج نمائیم و با استفاده از این شاخص‌ها بتوانیم بناهای دولتی در شهر بندر انزلی را مورد تحلیل قرار دهیم.

شکل ۳. مدل مفهومی فرآیند استخراج «شاخص‌های شبه‌رمانتیسم در دوره پهلوی اول»

۳-۲-۲. نقش «بناهای دولتی» در رویکرد شبه‌رمانتیسم‌گرایی آمرانه‌ی حکومت پهلوی اول در فرآیند تجددگرایی و تحقق آرمانشهر ایرانی

برنامه‌های اصلاحات، نوسازی و توسعه و در ادامه‌ی آن، ساخت‌وسازهای فراوان در حکومت جدید، عملا عمران و نوسازی را در دست «سازمان‌های دولتی» قرار داد و احداث «بناهای دولتی» را اعتبار و اولویت خاصی بخشید، از این رو، «صورت دولتی» در معماری این سال‌ها، ممتازترین مشخصه‌های آن شد. فراوانی و تنوع بناها نشان داد که «معماری دولتی» در اولین تجربه تاریخی خود در ایران، ویژگی‌ها و آموزه‌های قابل توجهی از خود به جای گذاشت (کیانی، ۱۳۸۳: ۲۶۶): الف)معماری دوره پهلوی اول که بر اساس یک «ساختار دولتی برای ارائه‌ی برنامه‌های حکومتی» پدید آمد، دوره‌ی ثمربخش آن به بیش از یک دهه نرسید و حتی «انگیزه‌های باستانی یا اصلاح‌طلبانه» نتوانست توانایی رهبری دولتی را در این زمینه تداوم بخشد. ب)معماری دولتی در جهت ارائه‌ی برنامه‌های خود نیازمند به یک اهرم یا سازمان قوی «فکری- اجرایی» است؛ تنها ابزار قدرتمند دولت پهلوی، «تشکیلات نظامی» آن بود(به طور مثال «ساختمان شهرداری

رشت» در سال ۱۲۹۹ به دستور سرتیپ محمدحسین‌خان آیرم، فرمانده تیپ مستقل شمال در زمان تصدی شهرداری سرگرد (یاور) اسماعیل‌خان ساخته شد). ج)شهرسازی دوره پهلوی اول و معماری جدید ایجاد شده در بدنه‌ی خیابان‌ها به مدد شهرسازی نوین اروپا، مکان‌های مناسب خیابان و میادین، بیشتر محل نمایش «بناهای دولتی» گردید و برای نخستین‌بار، این باور ایجاد گشت که تنها قصرها و کاخ‌ها محل حکومت نیستند بلکه این شهر است که «نماد یک حکومت» قرار می‌گیرد.

دعوت از معماران خارجی و بهره‌گیری از معماران تحصیل‌کرده در غرب (مانند میرزا علیخان مهندس، معمار کاخ میان‌پشته انزلی)، تأثیرات به سزایی در روند تجددطلبی و نوپردازی و نووارگی هویت نو در معماری معاصر ایران داشت که این اشتیاق نوستالژیک برای «گذر از سنت به مدرنیته (تجددطلبی)» باعث شکل‌گیری رویکرد «شبه‌رمانتیسم» در طراحی ابنیه دولتی شد. آثار به جای‌مانده از این رویکرد را می‌توان به طور عمده در شهرهای شمالی ایران از جمله: رشت، بندرانزلی، رودسر، بابل، گرگان، ساری، و ...؛ در شهرسازی و ساختمان‌های حکومتی و دولتی مشاهده کرد. به عنوان مثال «شهرداری‌های سرتاسر ایران»، «میراث معماری» چشمگیری به صورت بناهای عمومی از خود به جای گذاشته‌اند که هم فعالیت‌های این نهادها را در خود می‌گنجاندند، و هم مکان‌هایی برای ارائه‌ی سایر خدمات شهری بودند. پس از تصویب قانون مربوط شهرداری‌ها در سال ۱۳۰۹ ه.ش. که هدف از آن «ایجاد هماهنگی و وحدت رویه در عملیات شهرداری‌های کل کشور» بود، «کارل فریش» از سوی وزارت داخله، «مأمور طراحی ابنیه‌ی بلدیه» یا «ساختمان‌های شهرداری» شد. در پرونده‌ی ثبتی آثار استان گیلان (پرونده ثبتی ۱۵۱۶)، هم ذکر شده است که «اعلیحضرت نسبت به احداث مرکز فرمانداری و شهرداری شخصا دستور می‌دادند و از این جهت، نقشه‌ی تمام شهرداری‌ها و فرمانداری‌ها تقریبا شبیه یکدیگرند» و در جای دیگر، در پرونده‌ی ثبتی شماره ۱۵۱۱ آمده است:«اغلب بناهایی که به دستور اعلی‌حضرت رضاشاه کبیر و به عنوان کاخ‌های اختصاصی و یا محل‌های اختصاصی ساخته شده، دارای طرح و نقشه‌ی آلمانی است و تقریبا تمام کاخ‌ها و یا محل‌های اختصاصی با مختصر تغییراتی دارای یک نقشه و طرح مشترک هستند؛ حتی ابعاد پنجره‌ها و ارتفاع بناها و تزئینات داخلی آنها نیز شبیه یکدیگرند». به این ترتیب، شماری از ساختمان‌های شهرداری و کاخ‌های سلطنتی به «سبک نئوکلاسیک» طراحی و ساخته شدند. با این که بناهای شهرداری تنوع زیادی به لحاظ مصالح و جزئیات از خود نشان می‌دهند، شباهت میان آنها به هیچ‌وجه قابل اغماض نیست. این ساختمان‌ها نوعا در دو طبقه (همکف و اول)، با سقف شیبدار و یک سنتوری در وسط طراحی شده‌اند. مکان‌یابی آنها به دقت صورت گرفته، و پلان متقارن آنها با ورودی‌هایی در محور مرکزی و یک سرسرای مرکزی وسیع در طبقه اول جلب نظر می‌کند؛ برخی از آنها دارای یک برج مرکزی نیز هستند (بانی‌مسعود، ۱۳۹۹: ۴۷) که معمولا یک ساعت در بالاترین نقطه برج مذکور نصب می‌شد که نمادی از «تجدد» و «وقت‌شناسی» بود.

جدول ۶. مقایسه تطبیقی شاخص‌های «بناهای دولتی پهلوی اول» با شاخص‌های «شبه‌رمانتیسم ایرانی»

شاخص‌های بناهای دولتی پهلوی اول	شاخص‌های شبه‌رمانتیسم دوره پهلوی اول
۱)بالا قرار گرفتن ساختمان از سطح زمین و نیز نمایش آشکار در وسط و محل ورودی ساختمان: تقریبا در تمامی بناهای این دوره مشاهده می‌شود. آمدن بنا از سطح زمین، بر سیما و شکوه آن تأکید می‌کند. ۲)ورودی‌های بلند و ستون‌های مرتفع و کشیده: در بناها اگرچه از یک نگاه به معماری دوره قدرت‌گرایی آلمان و آغاز	**۱)تمایل به آزادی، نوگرایی و تجددطلبی**(نوآوری(عدم‌تبعیت از الگو)؛ بیان انقلابی و نوین؛ آزادی در فرم و محتوا؛ شیفتگی به امور ناشناخته و اسرارآمیز؛ استفاده از فن‌آوری و مصالح جدید(ظهور فناوری فلز، آهن، چدن)؛ نقوش جدید؛ برونگرایی و بازشدن پنجره‌ها به میادین و خیابان‌های جدیدالاحداث). **۲)ملی‌گرایی و بازآفرینی آرمانشهر گمشده با الهام از «تاریخ» و «سنت کهن»**(ناسیونالیسم بین‌المللی و باستان‌گرایی اروپایی؛ نمادگرایی و استفاده از اسطوره‌های ایران‌باستان و دین زرتشت در تزئینات بنا(در قالب سرستون

قرن بیستم و از نگاه دیگر به عظمت و قدرت باستان‌گرایانه ایران کهن نظر دارد، هرچه باشد در پی اقتدار و عظمت است. ۳)نمای بناهای دوره رضاشاهی بیشترین استفاده را از نشانه‌ها و عناصر «خطی- عمودی» برده است. ستون‌ها و پنجره‌ها بیشترین نقش را در این کاربرد داشته‌اند تا بتواند بر ایجاد حس ابهت و شکوه بنا بیفزاید. برخلاف این حرکت عمودی خود بناها در جهت افقی کشیده شده‌اند و به صورتی سنگین و حجیم بر زمین نشسته‌اند(مختاری‌طالقانی، ۱۳۸۸: ۷۰).	گاوسر، نقش فروهر بالای ورودی)؛ الهام از دوره هخامنشیان و ساسانیان(قبل از اسلام)؛ هنر مردمی(در قالب احداث «بناهای عمومی» به «بناهای حکومتی»). **۳)تخیل خلاق هنرمند**(تمایل به احساسات عاشقانه و برتر دانستن عاطفه از منطق؛ معمار- طراح(مرکز قرار دادن هنرمند در اثر هنری)؛ فردگرایی(در قالب قهرمان‌گرایی به صورت استفاده از مجسمه شاه در جلوی بنا)؛ طراحی فضاهای شاعرانه(قاب‌های تزئینی حکاکی‌شده، پنجره‌های منور، ریتم در نما، ورودی با عظمت، فرم کشیده افقی)؛ نقش‌برجسته‌ها و تزئینات بناها). **۴)توجه به «طبیعت» و مفهوم «بدیع منظر»**(طبیعت بکر و وحشی و الهام از آن در منظره‌پردازی؛ استفاده از جلوه‌های طبیعت در نقش‌ونگار و تزئینات بنا؛ طبیعت موضوع فکر کردن و منبع الهام طراح؛ توجه به معماری روستایی» و «بوم‌گرایی فرهنگی»). **۵)بیماری قرن و تنهایی**(القای «حس تنهایی» از طریق «مقیاس ساختمان و طراحی آن(به شکلی که فرد در مقابل بنا، تنها به نظر می‌رسد)» و «ریتم و تکرارها در عناصر معمارانه(مانند پنجره، ستون، ...)»).

۴. بندر انزلی نمادی از تجددگرایی آمرانه و از بالا به پایین در دوره پهلوی اول

قدمت تاریخی انزلی به ۵۴۰ سال قبل می‌رسد. این شهر در سال ۱۸۰۵ میلادی (۱۱۸۴ شمسی) توسط روس‌ها به آتش کشیده شد که به دلیل مصالح قابل اشتعال سنتی به کار رفته در بناها، شهر به خاکستر تبدیل شد (مبرهن‌شفیعی، ۱۳۹۰: ۴۵). از عوامل مهم تأثیرگذار بر تحولات سیاسی در گیلان، موقعیت بی‌بدیل جغرافیایی گیلان به عنوان حلقه‌ی اتصال پایتخت به روسیه و اروپا بود زیرا تنها راه شوسه‌ای بود که از پایتخت ایران به یک بندر ایرانی متصل می‌شد. از همین رو، تنها بندر متصل به یک راه شوسه در داخل فلات ایران، از طریق یک خط کشتیرانی منظم که روز و ساعت حرکت کشتی‌های پستی، مسافربری و باربری آن به طور دقیق برنامه‌ریزی شده بود، پایتخت ایران و نیمه‌ی شمالی کشور را به باکو وصل می‌کرد. سپس از باکو از طریق شبکه‌ی راه‌آهنی که روسیه‌ی تزاری پیش از سال ۱۹۰۰ میلادی تأسیس و سپس از اوایل دهه‌ی ۱۹۲۰ م. توسعه‌ی کمی و کیفی داده بود، به سراسر روسیه، قفقاز و اروپا دسترسی پیدا می‌کرد. بدین ترتیب این موقعیت جغرافیایی به عنوان سر پل ارتباطی، بر همه‌ی تحولات توسعه‌ای اقتصادی، معماری و شهرسازی در بندرانزلی، تأثیر می‌گذاشت. مجموعه‌ی سه بخشی غازیان، میان‌پشته و انزلی که بعدا با نام «بندر پهلوی» شناخته شد، در دوران جدیدی که از پهلوی اول شروع شده بود، این شهر را نیز همانند رشت به یکی دیگر از کانون‌های انباشت سرمایه و جایگاه عناصر مدرن و نمادهایی از شهرسازی نوین و توسعه به سبک و سیاق جدید تبدیل کرد، که به آن اعتباری هم‌تراز رشت می‌داد. در واقع پایه‌های مدرن این شهر در دوره‌ی پهلوی اول بود که شکل گرفت. این شهر بندری، مهمترین مبادی ورودی و به ویژه خروجی کشور در دوره پهلوی اول بود. دست‌کم این اهمیت تا سال‌های نخست جنگ‌دوم جهانی پابرجا ماند. در این زمان تقریبا اکثر مسافرت‌های مهم سیاسی و تجاری به اروپا و روسیه از پایتخت و نیمه‌ی شمالی و مرکزی ایران صورت نمی‌گرفت مگر آن که از «بندر پهلوی» گذر کند (عظیمی، ۱۳۹۹: ۴۵-۳۲۹). از سوی دیگر، سفر به مناطق شمالی ایران به دلیل آب‌وهوای معتدل آن، همواره از نخستین گزینه‌های مردم برای گذران اوقات فراغت بوده است اما این امر در دوره‌ی رضاشاه (۱۳۰۴- ۱۳۲۰ ه.ش.) به علت وجود فضای اختناق شدید در کشور ممکن نبود. البته در آن زمان عبور و مرور معمولی مردم هم به سایر مناطق کشور دشوار بود به طوری که هر کسی برای ورود به هر شهری باید از کلانتری محل، پروانه دریافت می‌کرد؛ اما ورود به خطه‌ی شمال ایران (استان‌های گیلان و مازندران) نسبت به سایر نقاط بسیار سخت‌تر بود و تشریفات اداری خاصی

داشت؛ به عبارت دیگر به همه‌کس اجازه‌ی ورود نمی‌دادند مگر شهربانی کل کشور و اداره‌ی سیاسی، آن شخص را تأیید کند. همچنین این کار مستلزم تشریفات اداری خاص شامل پرسش درباره علت سفر، مشخصات مسافران و مسیر دقیق سفر بود و در صورت تأیید موارد خواسته شده، مسافران به «عدم ارتباط با افراد محلی» و «عدم عکس‌برداری» نیز متعهد می‌شدند (سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۹). این امر بیانگر تجددگرایی آمرانه و از بالا به پایین، در دوره پهلوی اول در شهر انزلی را نشان می‌دهد زیرا ما با گونه‌ای از مهندسی اجتماعی مواجه هستیم که با توجه به شرایط و زمینه‌های اجتماعی، مهندسی تغییرات تجددخواهانه از بالا و از طریق گروهی از نخبگان جامعه صورت گرفته‌است. به عبارت دیگر، در این شکل از تغییرات اجتماعی فرض بر این است که با توجه به عدم‌آمادگی و عدم‌ظرفیت‌های ذهنی لازم از پایین، تغییرات سریع در جهت تجددخواهی، به شیوه‌ی آمرانه و از بالا، سریع‌تر، آسان‌تر و مناسب‌تر صورت خواهد گرفت. دلیل این امر هم به سال‌های منتهی به روی کار آمدن رضاخان برمی‌گردد که فضای جامعه‌ی ایرانی تحت تأثیر آشفتگی‌ها و ناامنی‌های پس از مشروطه، جوی از ناامیدی را نسبت به اصلاح از راه قانونی ایجاد کرده بود.

۴-۱. تحولات ساختاری شهر بندرانزلی در دوره پهلوی اول

تا قبل از دوره پهلوی، بندر انزلی (بندر پهلوی) یک دهستان، چهار فریضه داشت که دارای ۲۲ آبادی بود و در شرق غازیان هم هیچ روستایی به شهر تعلق نداشت. از اوایل برآمدن سردار سپه، همان تغییراتی که در رشت شروع شده بود، در بندرانزلی این زمان هم آغاز شد. برخلاف شهر رشت که رواج اتومبیل یکی از عوامل اصلی خیابان‌کشی در آن بود، در انزلی اتومبیل وجود نداشت. عباس مسعودی در خاطراتش از شهر انزلی در سال ۱۳۰۷ به این نکته اشاره کرده‌است:«در پهلوی درشکه و وسائط نقلیه هیچ نیست؛ زیرا هم وسعت زیادی ندارد و هم به واسطه‌ی مجاورت دریا بیشتر با قایق و لُتکا عبور و مرور و حمل‌ونقل می‌شود. به این جهت لُتکا به منزله‌ی درشکه است و از طرف نظمیه هم لُتکاها مثل درشکه‌ها نمره خورده و تحت مراقبت قرار دارند (مسعودی، ۱۳۹۱: ۶۸)». هنر در این زمان در انزلی همانند رشت، سخت تحت تأثیر هنرهایی چون سینما، تئاتر، موسیقی، و معماری به سبک مدرن بود (عظیمی، ۱۳۹۹: ۳۵۲- ۳۵۷).

جدول ۷. نقشه‌ها و عناصر ساختاری شهر بندرانزلی در دوره پهلوی اول(مأخذ مأخذ تصاویر: عظیمی، ۱۳۹۹: ۳۴۲ و ۳۶۰)

نقشه دوره قاجار	تحولات ساختاری دوره پهلوی اول	نقشه دوره پهلوی(بعد از اعمال تغییرات)
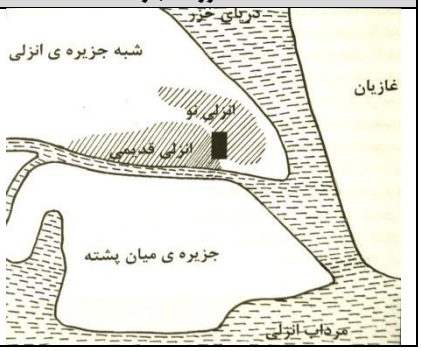	۱. تأسیس پارک بلوار کنار خط ساحلی(ساحل شرقی مشرف بر دهانه‌ی تالاب انزلی)؛ ۲. خیابان‌کشی(خیابان گلستان، سپه، ناصرخسرو)؛ ۳. تأسیس میدان‌های بزرگ(میدان بلدیه)؛ ۴. ساخت ساختمان‌های سنگی و مدرن(مدارس جدید، سینما، تئاتر، هتل، ...)؛ ۵. تأسیس موج‌شکن برای لنگر انداختن کشتی‌ها؛ ۶. تأسیس جاده شوسه انزلی- رشت- قزوین- تهران.	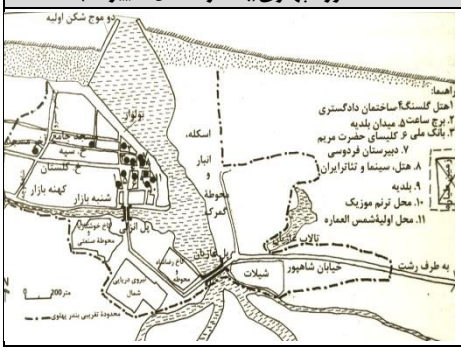

۴-۲. بررسی تطبیقی شاخص‌های شبه‌رمانتیسم ایرانی با معماری بناهای دولتی در شهر بندر انزلی

۴-۲-۱. ساختمان شهرداری (بلدیه)

ساختمان مدرن بلدیه‌ی انزلی که همین امروز هم محل شهرداری این شهر است در سال ۱۳۰۰ ه.ش. ساخته شده بود که چهار سال جلوتر از ساختمان مدرن بلدیه‌ی رشت بود (عظیمی، ۱۳۹۹: ۳۵۸- ۳۵۹) اما به صورت مجموعه‌ی کاملی از «ساختمان سینما- تئاتر- شهرداری» در سال ۱۳۱۰ه.ش. افتتاح شد. عزیز طویلی در کتاب «تاریخ جامع انزلی» می‌نویسد:«این بنا یکی از باشکوه‌ترین بناهایی بوده که در زمان تصدی شهرداری محمدعلی روشن احداث گردیده است». این ساختمان که در قسمت بالای پارک بلوار در کنار «بنای موزیک» قرار گرفته و از نظر فرم ساختمان نظیر فرمانداری‌ها و شهرداری‌های بیشتر شهرهای شمال است (دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران). عمارت تاریخی شهرداری انزلی است که در ابتدا به‌عنوان «سینما- تئاتر – شهرداری» آغاز به کار کرد اما در سال ۱۳۰۷ ه.ش. یک سالن تئاتر همانند سالن تئاتر هتل ایران، در بلدیه‌ی بندر پهلوی احداث شد:«در عمارت (بلدیه) سالون بزرگی برای تئاتر ساخته شد و مطابق نقشه‌ای که ترسیم گردیده، سالون مزبور به طول ۲۵ ذرع و عرض ۱۰ ذرع ساخته خواهد شد (مسعودی، ۱۳۹۱: ۸۰)». بعد از این که بنا دچار حریق می‌گردد، نمای داخل و خارج آن بسیار تغییر می‌یابد. اما آنچه که از ظاهر قدیمی و جدید این بنا می‌توان دریافت، این است که فرم و نمای اصلی بسیار شبیه باسیلیکاها یا بدنه و ورودی کلیساها در سبک نئوگوتیک بوده که با کاربری بنا یعنی سالن طویل و سن و اتاق‌هایی برای سینما و تئاتر همخوانی داشته است. مسئله‌ی جالب توجه‌ی دیگر «کاذب‌سازی نما» برای «شکوه کلاسیک» و «جلوه نمایشی» بیشتر می‌باشد که در طراحی این بنا به کار رفته‌است (معماران معاصر گیلان).

جدول ۸. مطالعه تطبیقی شاخص‌های شبه‌رمانتیسم ایرانی در « سینما- تئاتر- شهرداری بندرانزلی»(مأخذ تصاویر: www.anzaliclub.ir)

تمایل به آزادی و درهم شکستن قید و بندها	بیماری قرن و تنهایی	تخیل خلاق هنرمند	ملی‌گرایی و باستان‌گرایی(بیان مستقیم و غیرمستقیم)	توجه به «طبیعت» و مفهوم «بدیع منظر»
۱.آزادی در فرم و محتوا و نوآوری(منعکس‌کننده‌ی معماری اروپای قرن ۱۹)؛ ۲.استفاده از مصالح و نقوش جدید به صورت طراحی «سنتوری»، «بالکن بالای ورودی»، استفاده از نیم‌ستون‌ها در نما؛ استفاده از طارمی(ستون‌ها سنگی)؛ ۳.برونگرایی و بازشدن پنجره‌ها به منظره اطراف.	القای «حس تنهایی» در قالب طراحی و تکرار «پنجره‌های مستطیل‌شکل بلند» در نما.	۱.معمار- طراح؛ ۲.طراحی فضای شاعرانه از طریق بهره‌گیری از معماری اروپای قرن ۱۹(به ویژه سبک نئوگوتیک).	۱.الهام از باستان‌گرایی اروپایی(در قالب طراحی نما و فرم شبیه به باسیلیکاها یا بدنه و ورودی کلیساها)؛ ۲.«هنر مردمی» در قالب احداث «بناهای عمومی» مانند: سینما، تئاتر در کنار بنای دولتی بلدیه(شهرداری).	۱.استفاده از طبیعت بکر در منظره‌پردازی و استفاده از مجسمه در طراحی محیطی؛ ۲.استفاده از جلوه‌های طبیعت در تزئینات داخل بنا(بخش تئاتر).

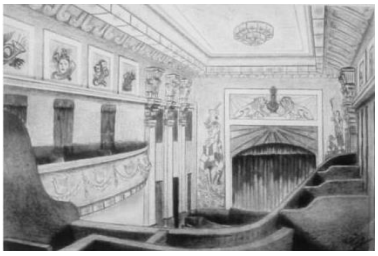

۴-۲-۲. ساختمان ترنم موزیک (موزیک جیگا)

ساختمان ترنم موزیک (به محلی: موزیک جیگا) که در سال ۱۳۱۱ ه.ش. توسط یک مهندس آلمانی و زیر نظر بلدیه و در کنار ساختمان بلدیه ساخته شد و بعدها حافظیه‌ی انزلی هم نام گرفت. ساختمان موزیک جیگا، شباهت زیادی به آرامگاه حافظیه‌ی شیراز دارد؛ آرامگاه حافظیه‌ی شیراز به کوشش علی‌اصغر حکمت در سال ۱۳۱۵ ه.ش. ساخته شده و به نظر می‌رسد که بنای آن با الهام از طرح مهندس آلمانی و موزیک جیگای انزلی ساخته شده باشد (عظیمی، ۱۳۹۹: ۳۵۸). در مورد این بنا چنین می‌گویند زمانی قبل از اعلی‌حضرت فقید، در بندر پهلوی یک دارالایتام بود که توسط روس‌ها ساخته شده بود که حالا «پرورشگاه» است؛ در این پرورشگاه، بچه‌ها توسط یک نفر معلم موزیک به فراگیری و تمرین موزیک می‌پرداختند و عصر می‌آمدند و در محوطه‌ی پارک و کنار ساختمان شهرداری برای مردم موزیک می‌زدند. در سال ۱۳۱۶ در یک روز شهریور، ساعت ۶ بعدازظهر، ملکه‌ی پهلوی در اینجا به تماشای بچه‌ها که به رهبری معلم‌شان موزیک می‌زدند، ایستادند و مردم هم جمع بودند، ملکه خوششان آمد و دست زدند و مردم هورا کشیدند. اعلی‌حضرت رضاشاه کبیر که چنین استقبالی را مشاهده کردند، دستور ساختن «ساختمان موزیک» را دادند. بنا ۸ ستون مدور دارد که بر روی آن گنبدی است و از دو طرف، پله دارد(دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران). معماری ساختمان مطابق الگوی رومی است و گنبدی به رنگ نارنجی دارد؛ در پائین گنبد، یک ردیف گچبری عمودی ساده دیده می‌شود. بنای ترنم موزیک انزلی، مدور و پاویونی طراحی شده‌است.

جدول ۹. مطالعه تطبیقی شاخص‌های شبه‌رمانتیسم ایرانی در «ترنم موزیک بندانزلی»(مأخذ تصاویر: دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران)

تمایل به آزادی و درهم شکستن قید و بندها	بیماری قرن و تنهایی	تخیل خلاق هنرمند	ملی‌گرایی و باستان‌گرایی(بیان مستقیم و غیرمستقیم)	توجه به «طبیعت» و مفهوم «بدیع منظر»
۱.آزادی در فرم و نوآوری(برای اولین بار استفاده از الگوی رومی به صورت مدور و پاویونی در فرم بنا)؛ ۲.بیان انقلابی و نوین(به صورت گنبد نارنجی‌رنگ، نشان از سلیقه‌ی طراح)؛ ۳.استفاده از نقوش جدید(موزائیک سنگفرش به صورت سبک یونانی)؛ ۴.برونگرایی در قالب ساخت بنای پاویونی برای اولین‌بار در منطقه و کشور؛	–	۱.تمایل به احساسات عاشقانه و برتر دانستن عاطفه از منطق(نمادی از احساسات‌گرایی در دوره پهلوی اول)؛ ۲.طراحی فضای شاعرانه (فضای هنری و و باشکوه منکس‌کننده‌ی فضاهای اجرای هنری اروپای قرن ۱۹)؛ ۳.موفق در برانگیخته کردن احساسات مردمی(موفقیت الگوی فرمی بنا در این امر، موجب الگوبرداری مقبره حافظیه از بنا شد).	۱.ملی‌گرایی و گرایش به مردم در احداث یک بنای عمومی(بر اساس احساسات مردمی و خانواده شاه، تصمیم به ساخت مکانی برای اجرای موسیقی کودکان یتیم‌خانه گرفته‌شد) ۲.الهام از باستان‌گرایی اروپایی(الهام از معماری یونان در قالب استفاده از طارمی و ستون‌های سنگی، بنای مدور و پاویونی، گنبد)؛	۱.احترام به «طبیعت و منظره موجود» از طریق طراحی حجم

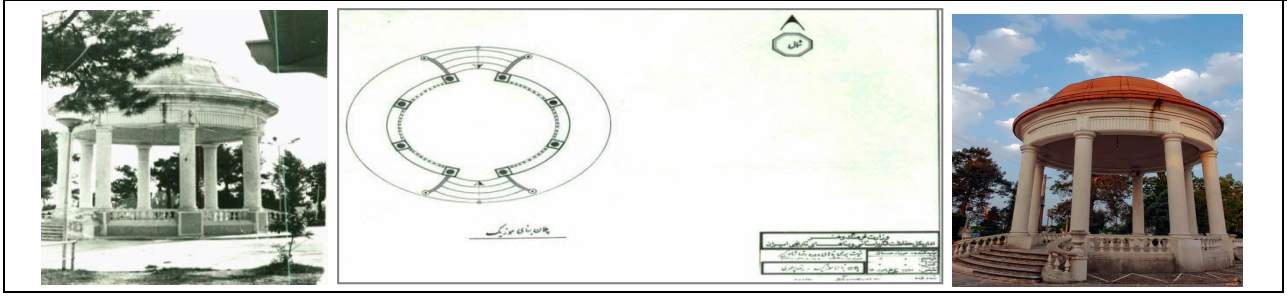

۴-۲-۳. ساختمان دادگستری

طبق بررسی‌های به عمل آمده، بانی این ساختمان مرحوم حاجی عباس رمضانی (رمضان‌اُف) و معمار آن، مرحوم اسمعیل برهان‌جو می‌باشد و سال ساخت این ساختمان ۱۳۴۶ هجری‌قمری برابر با ۱۳۰۶ هجری‌شمسی می‌باشد که این تاریخ در «سردر ورودی» ساختمان به صورت برجسته دیده می‌شود (دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران). این بنا چهار طبقه بیش از ۱۰۰۰ مترمربع مساحت زیربا و ۵۵ مترمربع حیاط دارد و طبقه‌ی همکف دارای ۶ دهنه دکان است. این ساختمان، منزل مسکونی حاج‌علی عباس رمضانی بود که توسط مرحوم «معمار اسماعیل برهان‌جو» معروف به «اسماعیل چپ» ساخته شد. سیمان‌بُری زیبا و استادانه‌ی این معمار نشانه‌ای از مهارت اوست که در ساختمان قندچیان (بانک ملی فعلی) نیز تکرار شد (مبرهن‌شفیعی، ۱۳۹۰: ۵۶). مالکیت اثر «دولتی» بوده و تحت مالکیت «اداره ثبت اسناد و دادگستری شهرستان بندرانزلی» می‌باشد. ساختمان مذکور، دارای چهار طبقه بوده که در نمای بیرونی دارای تزئینات سیمانکاری بسیار زیبا می‌باشد. طبقات اول، دوم و سوم به شکل «U» و طبقه چهارم «مستطیل‌شکل» می‌باشد. ساختمان مذکور دارای یک حیاط خلوت مرکزی در قمست پشت، در ضلع شمالی است. کف اتاق‌ها به صورت پل‌کوبی از جنس تخته‌ی نراد روسی بوده و اکثر اتاق‌ها دارای شومینه هستند. دیوارهای قسمت بیرونی و اصلی داخلی ساختمان از نوعی آجر فشرده بوده (آجرها را از روسیه آورده بودند)، که روی آن با سیمان سفید، کار شده‌است (دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران).

جدول ۱۰. مطالعه تطبیقی شاخص‌های شبه‌رمانتیسم ایرانی در «دادگستری سابق بندانزلی»(مأخذ تصاویر: معماران معاصر گیلان)

تمایل به آزادی و درهم شکستن قید و بندها	بیماری قرن و تنهایی	تخیل خلاق هنرمند	ملی‌گرایی و باستان‌گرایی(بیان مستقیم و غیرمستقیم)	توجه به «طبیعت» و مفهوم «بدیع منظر»
۱.آزادی در فرم و محتوا و نوآوری از طریق سازماندهی فضا به شکل پلان U شکل؛ ۲.استفاده از مصالح جدید(تخته‌ی نراد روسی و آجر فشرده‌ی روسی؛ استفاده از فلز در طراحی نرده‌های فلزی)؛ ۳.استفاده از نقوش جدید در نرده‌ها و محافظ بالکن برگرفته از آثار فلزی اروپای قرن ۱۹؛ سیمان‌بری پُرکار؛ ۴. برونگرایی و باز شدن پنجره‌ها به خیابان جدیدالاحداث؛	۱.القای «حس تنهایی» از طریق تکرار پنجره‌های یک شکل در نمای بنا.	۱.معمار- طراح(معمار اسماعیل برهان‌جو معروف به اسماعیل چپ)؛ ۲. طراحی فضای شاعرانه از طریق تزئینات معروف کارت‌پستالی(منکس‌کننده معماری اروپای قرن ۱۹)؛ ۳. تمایل به احساسات از طریق نقش‌برجسته‌ها در نما.	۱.الهام از باستان‌گرایی اروپایی(به ویژه معماری روسیه) به صورت «نیم‌ستون‌ها» و «قاب‌بندی پنجره‌ها».	۱.استفاده از جلوه‌های طبیعت در تزئینات؛ ۲.نقوش موجود در طبیعت، منبع الهام در نقش‌ونگار طراحی؛
		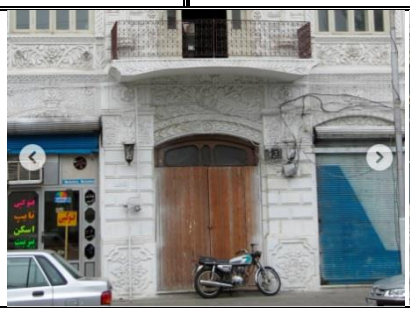		

۴-۲-۴. پل غازیان

پُل میان بندر پهلوی و میان‌پُشته، ۱۲۷ متر طول دارد و مُرداب یا رود بندر پهلوی را قطع می‌نماید. پل دارای سه چشمه وسط متحرک و از فولاد به طول ۲۵ متر ساخته شده و عمود بر بلوار است. ستون‌های آن هر یک ۱۱ متر و از سطح بلوار ۶ متر ارتفاع دارد (دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران). «پل غازیان- میان‌پشته» و «میان‌پشته- انزلی» با شرکت آلمانی‌ها و سوئدی‌ها و با آخرین تکنولوژی پل‌سازی در سال ۱۳۱۴ ه.ش. آغاز شد و ساختمان پل در فروردین ۱۳۱۶ خاتمه یافت و آئین گشایش پل در اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۶ انجام گردید. این پل‌های متحرک به گونه‌ای ساخته شده بودند که به هنگام عبور کشتی‌ها از دهانه‌ی مرداب انزلی و وارد شدن به داخل مرداب و بالعکس، به صورت اتوماتیک یا دستی بلند می‌شد و عبور کشتی‌ها را میسر می‌کرد. برای نخستین‌بار به وسیله‌ای این دو پل استراتژیک، ارتباط از طریق اتومبیل بین رشت به بندر پهلوی و تالش و آستارا و جمهوری آذربایجان به صورت زمینی برقرار شد (عظیمی، ۱۳۹۹: ۲۸۶- ۲۸۷).

جدول ۱۱. مطالعه تطبیقی شاخص‌های شبه‌رمانتیسم ایرانی در «پل غازیان»(مأخذ تصاویر:عظیمی، ۱۳۹۹؛ www.anzaliclub.ir)

تمایل به آزادی و درهم شکستن قید و بندها	بیماری قرن و تنهایی	تخیل خلاق هنرمند	ملی‌گرایی و باستان‌گرایی(بیان مستقیم و غیرمستقیم)	توجه به «طبیعت» و مفهوم «بدیع منظر»
۱.فن‌آوری جدید(تجهیزات متحرک پل)؛ ۲.استفاده از مصالح جدید(استفاده از بتن و فولاد در ساخت پل و نرده‌های فلزی پل)؛ ۳.بیانی نوین و انقلابی(نوآوری و احداث اولین پل متحرک در ایران)؛ ۴.آزادی در فرم.	-	۱.معمار- طراح(شرکت آلمانی- سوئدی)؛ ۲.طراحی خلاقانه پل؛	«ملی‌گرایی» در قالب گرایش به مردم به صورت اقتتاح پل به عنوان عامل اصلی پیشرفت و توسعه شهر بندرانزلی(پهلوی)؛ و همچنین احداث یک «بنای عمومی».	احترام به طبیعت بکر منطقه و حفظ اکوسیستم از طریق طراحی «پل متحرک»

۵. تحقق «دوره رمانتیک» بندر انزلی در دوره پهلوی اول از دیدگاه منورالفکران

نخستین مسئله‌ای که می‌توان برای فرآیند تجددگرایی و تحقق آرمانشهر ایرانی در دوره پهلوی اول بیان نمود، نقش گروه‌های اجتماعی در پیدایش و شکل‌دهی به آن است. روشنفکران (منورالفکران) ایرانی، مولود صورت‌بندی گفتمانی جدید هستند زیرا «یک طبقه یا گروه اصلی سازمان اجتماعی قدرت و سلطه‌ی سیاسی را به دست نمی‌آورد مگر این که قبل از آن، سلطه‌ی فرهنگی را به دست آورده باشند (فاضلی و سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۱)». پس از احداث میدان و ساختمان بلدیه‌ی رشت، هتل‌ها، ساختمان‌های اداری، سینماها و خیابان‌های اطراف آن، آوازه‌ی شهر رشت و سپس انزلی همه‌جا، به ویژه در پایتخت

ایران، زبانزد شده بود. به طوری که برخی شخصیت‌های متجدد مهم و با نفوذ سیاسی و فرهنگی تهران‌نشین برای دیدن این تغییرات و گذراندن اوقات فراغت به رشت و انزلی آمده و در مواردی در همین دیدارها، این شهرها را با تهران مقایسه و حتی آنها را «فرنگستان ایران» می‌نامیدند. از این زمان بود که شهر رشت و انزلی برای نخستین بار به عنوان «تفرج‌گاهی» برای تهرانیان درآمد که ترجیح می‌دادند اوقات فراغت خود را در این شهرها بگذرانند و هر وقت به ویژه در ایام تعطیل فرصتی دست می‌داد، به این دو شهر سفر می‌کردند. در واقع کار به جایی رسیده بود که از ضرب‌المثلی قدیمی در دوره‌ی قاجاریه که در فلات مرکزی ایران، به ویژه در تهران رایج بود که «اگر مرگ می‌خواهی برو گیلان»، حالا همین گیلان به سرعت برق و باد محل گذران اوقات فراغت طبقه‌ی متوسط و بالای تهرانی شده بود. تا جایی که می‌دانیم از این زمان است که تفریحات ساحلی در ایران و به اصطلاح آن روز «حمام دریا» در انزلی باب شد و پیش از آن، چنین نگاهی به گیلان از منظر گردشگری و تفریحی وجود نداشت (عظیمی، ۱۳۹۹: ۳۶۱). خوانش روزنامه و مجلات، نقش مهمی در فهم تحولات تاریخی، فکری، اجتماعی و سیاسی دارد. مطالعه‌ی این آثار، منابع بسیار مفیدی برای درک ایدئولوژی‌ها یا خرد متعارف هر دورانی است. این آثار بر خلاف متون یا آثار کلاسیک هر دوره که معمولا پدیده‌های رایج آن دوره را به چالش کشیده و در آنها دخل‌وتصرف می‌کنند؛ می‌تواند در خدمت فهم بهتری از آن به شکل بارزی ترسیم‌گر مجادلات، مسائل، مشکلات و پاسخ‌های هر دوره‌ای می‌باشد (عباسی، ۱۳۸۷: ۱۲۹)؛ از این رو، در ادامه به تحلیل گفتمان منورالفکران دوره پهلوی اول که چهار تن از روزنامه‌نگاران برجسته‌ی دوره‌ی پهلوی اول می‌باشند:«سعید نفیسی (مدیر روزنامه امید)، علی‌اکبر سیاسی (مؤسسین روزنامه ایران جوان)، سلطان‌محمد عامری (مدیر روزنامه صور)، عباس مسعودی (مدیر و مؤسس روزنامه اطلاعات)»؛ در زمینه‌ی شهر انزلی و نحوه‌ی ساخت و شکل‌دهی تصویر ذهنی و عینی به گفتمان مسلط فرهنگی حکومت در آن دوره پرداخته می‌شود.

جدول ۱۲. تحقق «دوره رمانتیک» بندر انزلی در دوره پهلوی اول از دیدگاه منورالفکران

منورالفکر	دیدگاه
سعید نفیسی[1]	همین در غازیان به ساحل بحر خزر رسیدم از دور یک شهر اروپایی مجلل باشکوه پیداست. گردشگاه باصفایی در کنار دریا نمودار گشت، به کرجی نشستم در موقع فرود آمدن به کنار مرداب، کرجی‌بان خواست به عادت دیرین اجحاف کند؛ گفتند نرخ معینی دارد که بلدیه مقرر کرده‌است، معلوم شد بلدیه‌ی انزلی خوب کار می‌کند. روی پل چوبی خیلی قشنگ که بلدیه‌ی شهر ساخته است از قایق پیاده شدیم، از آن گردشگاه باصفا ما را به عمارت بلدیه شهر راهنمایی کردند. واقعا مثل این بود که به یکی از شهرهای اروپایی وارد شده‌ایم. در آنجا از آقای وهاب‌زاده رئیس بلدیه پرسیدم:«جمعیت شهر چقدر است؟»، منتظر بودم رقم اغراق‌آمیزی همان‌طور که در سایر نقاط ایران معمول است جواب بدهد یا مثلا بگوید چند هزار خانوار؛ گفت:«در احصائیه چند ماه قبل عده‌ی سکنه‌ی انزلی ۷۱۱۴ نفر بود». واقعا مغرور شدم که ما هم مستعد ترقی هستیم و لااقل یکی از شهرهای ما احصائیه صحیح دارد(سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۴۶).
	باری، درست ۱۰ ساعت بعد از حرکت از تهران، وارد پهلوی شدیم. آخرین دفعه‌ای که من این شهر را دیده بودم ۱۱ سال قبل هنگام مراجعت از اروپا بود؛ اما پهلوی امروز به انزلی آن روز هیچ شباهت ندارد زیرا همه چیزش عوض شده و جز محله‌ی کهنه آن هیچ قسمت دیگرش مرا به یاد انزلی سابق نینداخت. امروز پهلویِ فرنگیِ ما، از

[1] سعید نفیسی فرزند میرزا علی‌اکبر خان ناظم‌الاطبا و از نوادگان حکیم برهان‌الدین نفیس، فرزند عوض کرمانی، صاحب «شرح اسباب» بود. نفیسی در گرو عشق به زبان و فرهنگ فارسی، در ۵۶ دانشگاه در چهار قاره‌ی دنیا درباره‌ی این مهم سخنرانی و تدریس کرد. در این راستا کرسی زبان فارسی در دانشگاه کلمبیا به نام «استاد سعید نفیسی» نام‌گذاری شده است. نویسنده در سفر نوروزی خود به تجربه حضور در شهرهای رودبار، منجیل، رشت و انزلی اشاره کرده و به اهمیت مؤسسات رفاهی در پیشرفت شهرهای گیلان می‌پردازد. آنچه بیشتر از هر چیز توجه نفیسی را در مسافرت ۱۲ روزه به خود جلب کرده، تغییرات عمرانی مانند ساخت مریض‌خانه و بلدیه و ... است(سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۴۰– ۴۱).

علی‌اکبر سیاسی[1]		بهترین شهرهای ایران و از بادکوبه[2] به چند سال پیش، به مراتب قشنگ‌تر و پاکیزه‌تر است. کوچه‌ها و خیابان‌هایش بالتمام سنگ‌فرش شده و پیاده‌روهایش را غالبا با سیمان ساخته‌اند. اما متجددترین قسمت شهر، باغ عمومی و خیابان نظیف کنار بندر است که به این شهر منظره‌ای کاملا اروپایی می‌دهد و شب‌ها هنگامی که روشنایی چراغ‌های این خیابان در آب بندر منعکس می‌شود و هیاکل بعضی عمارات چند طبقه از دور نمودار می‌گردد، غیرممکن است که شخص خود را هنوز در خاک ایران تصور نماید(سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۵۹).
	باغ عمومی پهلوی	چنان که در فوق اشاره شد، متجددترین قسمت پهلوی باغ عمومی و خیابانی است که در کنار بندر ساخته شده و معروف به «بولوار» است. خیابان مزبور فقط ۳۰۰ ذرع(۱۰۴ سانتی‌متر) طول دارد و ۶ ذرع عرض و در واقع خیابان اصلی همان باغ عمومی است به طوری که اطلاق لفظ «بولوار»- یعنی خیابان عریض و طویل- بر این قسمت بی‌مناسبت می‌باشد. کف این خیابان از آجر قرمز فرش شده، در یک طرفش نیمکت‌های چوبی نهاده‌اند و در طرف دیگرش، یعنی در قسمت مشرف بر آب، ستون‌های ریختگی چهارگوش که قریب ۴ ذرع ارتفاع دارد نصب کرده‌اند و در انتهای هر یک از این ستون‌ها از طرفین دو عدد چراغ برق آویزان است که در عرض تمام شب در آب بندر نورافشانی می‌کند زیرا باید دانست که چراغ برق پهلوی و غازیان هم با چراغ برق پایتخت فرق داشته و تا صبح کار می‌کند. از یک ساعت به غروب تا پاسی از شب جمع کثیری که بیشترشان ارامنه هستند، در آنجا رفت‌وآمد و گردش می‌کنند. خانم‌های ایرانی مسلمان کمتر به این قسمت می‌آیند و هرگاه اتفاقا در آنجا دیده شوند قدم‌های لرزان و توقف مختصر آنها به خوبی معلوم می‌دارد که آن بیچارگان در این محیط اروپایی دست‌وپای خود را گم کرده(سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۶۱- ۶۲).
	باغ عمومی پهلوی(عکاس:آنتوان سورگین(www.moroor.org) و (نقاشی: بهتاش آذرگین)	

[1] علی‌اکبر سیاسی یکی از اعضای جمعیت مؤسس روزنامه ایران جوان و پدر روانشناسی جدید در ایران است. سیاسی این یادداشت‌ها را طی سفر ده روزه‌ی خود(از ۲۵ شهریور- ۳ مهر ۱۳۰۶ ه.ش.) از راه‌ها و شهرهای مختلف این استان کسب کرده و با عنوان «از تهران به پهلوی» در روزنامه‌ی ایران جوان طی ۹ قسمت طی روزهای ۶ آبان- ۲۷ دی ۱۳۰۶ ه.ش. منتشر کرده‌است. علی‌اکبر سیاسی جزء ۲۳ نفر از جوانان ایران تحت سرپرستی مسیو ریشارد برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا فرستاده شد و در فرانسه به تحصیل پرداخت. در همین سفر بود که برای هر کدام از محصلین، نام خانوادگی انتخاب شد و چون علی‌اکبر رشته سیاسی خوانده بود، نام خانوادگی «سیاسی» را برای خود برگزید. در ۱۲۹۶ ه.ش. به ایران بازگشت و به استادی مدرسه‌ی دارالفنون مشغول شد. ... دکتر سیاسی مجموعا ۱۲ سال ریاست دانشگاه تهران را عهده‌دار بود. از خدمات مؤثر وی می‌توان از تهیه لایحه قانون تربیت معلم، تعلیمات عمومی اجباری و مجانی، جدا کردن دانشگاه از وزارت فرهنگ، تأسیس مجدد دانشکده معقول و منقول، ایجاد چاپخانه دانشگاه تهران و تأسیس «کوی دانشگاه» نام برد. دکتر سیاسی از آنجا که اصول روانشناسی جدید را در ایران بنیاد نهاد، «بنیانگذار و پدر روانشناسی جدید در ایران» نامیده شد(همان: ۵۲- ۵۴).

[2] «بادکوبه» یا «باکو»، پایتخت جمهوری آذربایجان است. این شهر بر ساحل غربی دریای خزر در شبه‌جزیره آب‌شوران قرار دارد و یکی از مناطق نفت‌خیز جهان است.

	استحمام در آفتاب	از همان روز اول ورود به پهلوی، پروگرام(برنامه) زندگانی از صبح تا ظهر ما به خودی خود معین گردید و آن عبارت بود از آب‌تنی در دریا و آفتاب‌خواری اختیاری یا به قول فرنگی‌ها، «استحمام در آفتاب» که معنی آن برهنه در ساحل زیر آفتاب استراحت کردن است و مطلعین دانند که لذت این قسمت از مقدمه‌ی آن یعنی از آب‌تنی در دریا کمتر نمی‌باشد. مقدمتا باید دانست که ساحل دریا را در جاهایی که مسطح است «پلاژ» می‌خوانند و فقط در این گونه سواحل است که «استحمام» یا «آب‌تنی» ممکن می‌باشد. از جمله پلاژهای معروف، در فرانسه «تروویل و دوویل» و «بیارتیز» است و در انگلیس «ستوستمن» و غیره. راجع به پهلوی می‌خواهم چیزی بگویم که قطعا نُه‌دهم خوانندگان اصلا انتظارش را ندارند؛ نگارنده که بسیاری از پلاژهای معروف خارجی را دیده‌ام، پلاژ پهلوی را از لحاظ وضع طبیعی‌اش از هیچ یک از آنها کمتر نیافتم و آن را از بهترین پلاژهای دنیا می‌دانم. از حیث وضعِ طبیعی هر قدر ساحل دریا مسطح‌تر و نشیب آن، ملایم‌تر و سنگریزه‌ها و صخره‌هایش کمتر باشد، برای آب‌تنی مناسب‌تر و شهرت آن پلاژ بیشتر است. در پهلوی و در غازیان، ساحل دریا در امتداد چندین فرسخ مسطح بوده، کف آن از ماسه‌ی مخصوص(شن بسیار ریز و بسیار نرم) پوشیده شده به طوری که در اوقاتی که آب دریا پائین می‌نشیند؛ جزر، اتومبیل‌ها برای امتحان سرعت خود یا برای مسابقه با یکدیگر ساحل غازیان را میدان آزمایش قرار می‌دهند و اما نشیب این ساحل در همه‌جا، به خصوص در غازیان، به قدری ملایم است که از نقطه‌ای که پای شما با آب مصاف شده تا محلی که آب به سینه و گردن شما می‌رسد، قریب ۱۰۰ ذرع فاصله دارد(سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۶۳– ۶۴). **«استحمام در آفتاب» در بندرانزلی دوره پهلوی اول**
	سلطان محمد عامری[1]	از ساعت ۶ تعد از ظهر الی ساعت ۱۲، طبقات مختلفه از زن و مرد برای گردش بلوار می‌آمدند ولی حرکات زشت و ناهنجار ابدا در بین نبود. نعره و عربده گردوفروش و تخمه‌فروش شنیده نمی‌شد. الفاظ رکیک به همدیگر نمی‌گفتند. با نهایت نجابت مشغول گردش و هر کدام هم مایل بودند از کافه‌ی بلوار شربت و بستنی می‌خواستند و مشروبات الکلی به کلی در بلوار ممنوع و اطفال آنجا برخلاف تهران به هیچ وجه متعرض گل‌های بلوار نمی‌شدند. ...وضعیت فعلی بندر پهلوی را با ۲۰ سال قبل اگر بخواهیم بدانیم مثل مختصر ذیل برای فهم سایر قضایا کافی است. در ۲۰ سال قبل، اهالی آنجا هر یک مختصر تمولی داشتند برای مصونیت جان و مال خودشان از مظالم دربار سابق به هر وسیله بود، تحصیل پاسپورت از دولت تزاری روس می‌کردند ولی فعلا علاوه بر این که اهالی آنجا پاسپورت تحت‌الحمایگی خود را با نهایت جدیت و اصرار باطل و به تابعیت ایران افتخار دارند. خارجی‌ها هم حتی‌الامکان برای تحصیل سند تابعیت ایران مطابق قانون کوشش می‌نمایند، ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا(سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۱۰۷– ۱۰۸).
	پل غازیان– میان‌پشته	بندر پهلوی و بلوار زیبای آن نظر را جلب می‌کند. در سمت چپ، پل بزرگی روی مرداب ساخته شده‌است که یک دهنه‌ی آن متحرک و از فولاد ساخته و پرداخته گردیده‌است. با یک فشار، این دهنه فولادین به عقب رفته و کشتی‌ها از میان آن می‌گذرند. پل مزبور غازیان را به میان‌پشته متصل می‌کند. طول این پل ۲۱۰ متر و عرض آن ۱۰ متر می‌باشد که ۴ متر پیاده‌روی روی طرفین و ۶ متر برای عبور وسائط نقلیه است. دهانه‌های پل پنج چشمه است که سه تای آن در وسط و دو تای آن در طرفین ساخته شده است. چشمه‌ی وسط ۵۵ متر، دهانه‌های طرفین آن هر یک ۳۶٫۲۰ ، دو دهانه‌ی

[1] عامری این یادداشت‌ها را طی سفر ۸ روزه‌ی خود(۱۷– ۲۴ تیرماه ۱۳۰۸ ه.ش.) از راه‌ها و شهرهای مختلف این استان کسب کرده و با عنوان «تهران– بندر پهلوی» در روزنامه‌ی اطلاعات طی ۶ قسمت در آبان‌ماه ۱۳۰۸ ه.ش. منتشر کرده‌است. نویسنده‌ی این یادداشت‌ها که خود از نخستین جوانان تحصیل‌کرده، شاخص و متجدد آن سال‌ها بوده، در نوشته‌های خود سعی دارد شمه‌ای از مشاهدات سفر خود در شهرهای سرزمین سرسبز گیلان درباره‌ی وضعیت جاده‌ها، اوضاع عمومی و شیوه‌ی زندگی و شرایط عمرانی، امنیتی، بهداشتی و معیشتی شهرهای آن منطقه و بالاخره آنچه که در این ۸ روز توجه‌اش را جلب کرده است، به شکل اجمالی به مخاطبان روزنامه منعکس کند(سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۹۳).

عباس مسعودی[1]		طرفین آن هر یک ۲۵ متر وسعت دارد. ارتفاع پل به حد متوسط از سطح مرداب تا سطح پل(محل عبور وسائط نقلیه)، ۷ متر می‌باشد و با بتون‌آرمه ساخته شده و مطابق با آخرین سیستم پل‌سازی و به توسط شرکت سنتاب کارهای ساختمانی آن انجام شده است[2](سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۱۲۹).	
		پل غازیان- میان پشته در دوره پهلوی اول	
		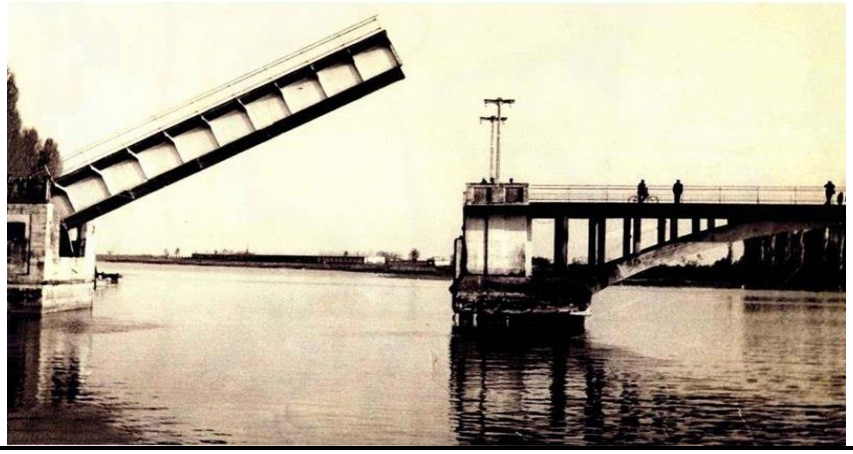	
	ادوات کشتی شن‌کش	ادوات کشتی شن‌کش جدید چقدر مرا تکان داد و خوشوقت کرد، زیرا ۱۰ سال پیش که به انزلی آن روز و بندر پهلوی امروز مسافرت کرده بودم؛ شن‌کش این بندرگاه شمالی متعلق به دیگران بود ولیکن حالا بهتر و خوب‌تر آن را در همین‌جا می‌روم، می‌بینم که تعلق به خودمان دارد. ... کشتی شن‌کش دیگری نیز در سطح مرداب مشغول کار و به وسیله‌ی لوله یا ناوه‌های مخصوص به خود، گل و شن و آب را از قعر مرداب بیرون آورده. از یک‌سو آب تصفیه شده به وسیله‌ی لوله خارج و شن و ماسه و یا گل‌ولای را به کشتی بارکش دیگر در مقابل خود تحویل می‌دهد. کشتی بارکش پس ز آن که پر شد، به وسط دریا رفته، محمولات خود را تحویل مرکز دریا داده و در آنجا می‌ریزد. دوباره برگشته و عمل مزبور تکرار می‌شود. به این ترتیب سطح مرداب همواره برای عبور کشتی‌های بزرگ و ناوها بدون مانع و اشکال خواهد بود(سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۱۳۰).	
	عمارت بلدیه	از دور عمارت با شکوهی که به طرف آن می‌رفتیم نظر ما را جلب کرد. این عمارت مرکب بود از یک سالون تئاتر که سالون بسیار قشنگ بزرگ و سن مجللی داشت. در این سالون اقلا هر یک ماه یک مرتبه نمایشات اروپائی خیلی عالی داده می‌شود. قسمت فوقانی این عمارت را کتابخانه و قرائتخانه و اطاق تفریح، اطاق پذیرائی و غذاخوری و آشپزخانه تشکیل می‌دادند. تمام این قسمت‌ها را که تماشا کردیم خیلی نظیف و پاکیزه بود و دانستم که حقیقتا بلدیه‌ی پهلوی دارای تشکیلات خیلی مهم و باشکوهی است. استعداد اهالی بندر پهلوی برای قبول تمدن و تجدد خیلی زیاد است، مردمان آن باهوش و عموما روشنفکر و حقیقتا با عجله پیش می‌روند ولی از لذائذ زندگانی دنیای امروزه باز خیلی بی‌بهره و دورند(مسعودی، ۱۳۰۷ به نقل از امیری، ۱۳۹۰: ۷۲- ۷۳).	
	قبرستان	تصمیم ما بر این بود که قبرستان پهلوی را بازدید نمائیم. قبرستان مزبور در خارج شهر واقع است. حاج‌یوسف آقا اتومبیلی برای رفتن به آنجا خواستند. به طوری که گفته بودم در پهلوی وسایط نقلیه هیچ نیست فقط سه چهار دستگاه اتومبیل موجود است که تازگی وارد نموده‌اند. به این جهت اتومبیل برای اطفال در آنجا	**سر درب بزرگ قبرستان بندرانزلی به سبک الگوهای اروپایی**

[1] عباس مسعودی که از روزنامه‌نگاران شاخص و متجدد آن سال‌ها بوده، این یاداشت‌ها را طی سفر یک ماه و اندی خود(از ۱ بهمن تا اوایل اسفند ۱۳۱۵ ه.ش.) از نقاط مختلف مسیر تهران- گرگان کسب کرده و با عنوان «از تهران تا گرگان: پانصد کیلومتر در پیرامون دریای خزر» در روزنامه‌ی اطلاعات طی ۱۸ قسمت در فروردین- اردیبهشت سال ۱۳۱۶ ه.ش. منتشر کرده است(همان: ۱۱۵).

[2] پل غازیان از بتون مسلح ساخته شده، شروع ساختمان از اواخر تیرماه ۱۳۱۴ ه.ش. و پایان کار در اوایل تابستان ۱۳۱۶ ه.ش. یعنی مدت ۱۸ ماه بوده و در خردادماه ۱۳۱۷ ه.ش. مورد استفاده قرار گرفته و روز چهارشنبه هفتم آذرماه ۱۳۱۸ ه.ش. به طور رسمی تحویل گردید. این دو پل به وسیله‌ی کمپانی «سنتاب» آلمانی و شرکت‌های مختلف از جمله «موتلا» سوئدی ساخته شد و در نتیجه با احداث آن راه ارتباطی «آذربایجان- رشت- قزوین- تهران» برقرار شد. قسمت متحرک پل، توسط چرخدنده و به کمک نیروی موتور یا انسان به بالا و پایین حرکت می‌کند(همان: ۱۲۹).

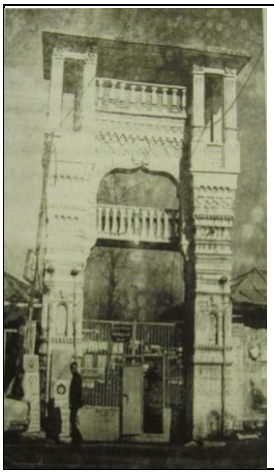

چیز تازه‌ای است... حالا تعجب خواهید کرد یا خواهید پرسید که قبرستان چه تماشائی دارد و چه چیز مهمی است که این قدر آب‌وتاب داده می‌شود. ولی وقتی برای شما تشریح کردم یقین خواهید کرد که موضوع جالب توجهی است:«محوطه‌ی وسیعی است کنار دریا به مساحت ۱۲۵ هزار ذرع که اطراف آن دیوار کشیده شده و در نقطه‌ی خوبی واقع گردیده است. قسمت مهم این اراضی وسیع را که پستی و بلندی زیادی داشت، مسطح نموده و برای گُل‌کاری آماده ساخته‌اند و نقشه‌ی قشنگی برای ساختمان عماراتی در این محوطه در نظر گرفته شده است که برای غسالخانه‌ی مردانه و زنانه و اطاق‌های متعدد دیگر برای مستحفظین و غیره اختصاص خواهد یافت و شروع به کار کرده بودند. همچنین خیابان‌سازی قشنگ و باغچه‌ها و تپه‌های گل و گل‌کاری‌های خوبی در این محوطه تهیه خواهد شد. سر درب بزرگ(برای) قبرستان ساخته شده بود. روی هم رفته با نقشه‌ای که برای قبرستان تنظیم گردیده است، قبرستان پهلوی کاملا شبیه به قبرستان اروپائی‌ها و گردشگاه مهم شهر و از بلوار کنار دریا خیلی قشنگ‌تر خواهد شد(مسعودی، ۱۳۰۷ به نقل از امیری، ۱۳۹۰: ۷۸– ۷۹).

در کنار گفتمان فرهنگی پهلوی در جهت تحقق رویکرد تجددگرایانه‌اش از طریق معماری در قالب ساخت «بناهای دولتی» با الگوگیری از معماری اروپائی، می‌بایست ساخت تصاویر ذهنی در شهروندان از طریق همراهی منورالفکران آن دوره در قالب ارایه‌ی «گزارش‌ها و سفرنامه‌ها» را جهت ترغیب شهروندان برای نوگرایی و تجدد را هم باید در نظر بگیریم. همچنین از نقش و اثرگذاری فرهنگی ارامنه در شهر بندانزلی نیز نباید چشم‌پوشی کرد زیرا هنر مدرن تحت هدایت آنان قرار داشت که پیشگامان هر عنصر مدرن و وارداتی از فرهنگ اروپا بودند و در این زمان هم از نظر جمعیتی شمارشان در شهر کم نبود و هم از طبقه‌ی ثروتمندنشین شهر محسوب می‌شدند.

۶. تحلیل یافته‌ها

رمانتیسم و هر مکتب ادبی دیگری، در ایران تولد ناقص یافته‌است؛ از این رو است که زمانی که می‌خواهیم از این رویکرد در ایران یاد کنیم از اصطلاح «شبه‌رمانتیسم» استفاده می‌کنیم. در واقع این ضرورت‌های جامعه‌ی ایران نبوده که برای نخستین بار رمانتیک‌ها را پدید آورده‌است؛ بلکه اثرپذیری جامعه‌ی نخبگانی، با توجه به فضای کشوری که در آن زندگی می‌کرده‌اند و غالبا هم تحت تأثیر فضای روسیه‌ی سابق، باکو و گرجستان بوده‌اند، ویژگی‌های رمانتیسم را در تفکر و آثار آنها پدید آورده است. بدین ترتیب شهرهای همجوار مناطق فوق‌الذکر (باکو، روسیه تزاری و ...)، زمانی که خواستند تجددطلبی و مدرنیزاسیون را در پیش بگیرند، این کار را با رویکرد شبه‌رمانتیسمی از بالا به پایین و آمرانه در ایران اجرا کردند و سپس از طریق نخبگانی که با این رویکرد از طریق زندگی در سرزمین‌های اروپایی آشنا بودند، سعی در فرهنگ‌سازی برای جامعه‌ی هدف خود کردند. با مقایسه تطبیقی نمونه‌های مورد مطالعه از بناهای دولتی در شهر بندرانزلی، متوجه شدیم که الگوبرداری از تجربه کشورهای دیگر (اروپای قرن نوزدهم)، به ویژه روسیه و آلمان، «با توجه به مرزهای مشترک روسیه با ایران» و «روابط سیاسی ایران با آلمان در آن زمان»، مشاهده می‌شود؛ همچنین این اقتباس عمدتا در طرح معماری و از «معماری باستان‌گرای اروپایی» بوده ولی کالبد بناهای دولتی با امکانات و شیوه‌های بومی، احداث شده‌اند. در نتیجه، دولت پهلوی اول سعی کرد تا برای مشروعیت‌بخشیدن به اقدامات آمرانه خود به منظور ایجاد تحولات ساختاری در شهرسازی و معماری شهر انزلی (اعمال تغییرات از بالا به پایین)، از شاخص‌های موجود در رویکرد شبه‌رمانتیسم بهره بگیرد که به شرح زیر قابل طرح می‌باشند: ۱)این اقتباس در شاخص «تخیل

خلاق هنرمند» در قالب تغییر فرآیند طراحی و ساخت در دوره پهلوی اول به صورت «معمار- طراح» در تقابل با «معمار- استادکار (بنّا)» بود که «گونه‌ای دیگر به معماری اندیشیدن و و معماری‌کردن در قالب یک سبک» نهادینه شد و «معماری ایدئولوژیک، تعقلی و شیوه‌ای غربی» جایگزین «معماری سنتی ایرانی» شد. از طرفی، همراه با معماری نو، معماران دیگری وارد سرزمین ما شده و «بار فرهنگی» متفاوتی را با خود به ارمغان آوردند، که حاصل این تغییر، پیاده‌سازی اندیشه «ملی‌گرایی» حاکمیت در گرایش به مردم به صورت «ساخت بناهای دولتی و عمومی (مانند: سینما، تئاتر، کتابخانه، هتل، اداره پست، و ...)» تجلی پیدا کرد. ۲)در شاخص «توجه به طبیعت و مفهوم بدیع منظر» ما مشاده کردیم که سعی شده بود تا در تزئینات و نقش‌ونگار ساختمان‌ها، از جلوه‌های طبیعت الهام گرفته شود. ۳)اما شاخص «بیماری قرن و تنهایی» در اکثر بناها در قالب تکرار «پنجره‌ها و قاب‌بندی» یکسان و یک‌شکل پدیدار شد؛ ۴)در شاخص «ملی‌گرایی و باستان‌گرایی (بیان مستقیم و غیرمستقیم)» آنچه که در بیشتر نمونه‌ها مشاهده شد، اقتباس و الهام از «معماری باستان‌گرای اروپای قرن نوزدهم» بود. ۵)در پایان نیز، شاخص «تمایل به آزادی و درهم شکستن قید و بندها» در قالب «استفاده از فن‌آوری، مصالح و نقوش جدید»، «آزادی در فرم» و «نوآوری در سازماندهی پلان» خود را نشان داد. با بررسی و مقایسه‌ی تطبیقی تمامی شاخص‌های شبه‌رمانتیسم ایرانی، متوجه می‌شویم که در استان گیلان، نقش شاخص «تجددطلبی (گذر از سنت به مدرنیته)» بسیار پررنگ می‌باشد. به گونه‌ای که در این پروژه «نوسازی ایرانی» که از سوی حاکمیت تدوین شده بود، شهری مانند بندرانزلی تا قبل از دوره پهلوی اول به صورت سه قطعه‌ی جدا از هم (غازیان، میان‌پشته و انزلی) بود اما در این دوره، تبدیل به یکی از نقاط استراتژیک برای ایران شد و به عنوان «نقطه‌ی اتصال ایران با اروپا» محسوب می‌شد.

جدول ۱۳. مقایسه تطبیقی شاخص‌های شبه‌رمانتیسم ایرانی در بناهای دولتی شهر بندرانزلی

شهر	بنا	تمایل به آزادی	بیماری قرن	تخیل خلاق	ملی‌گرایی و باستان‌گرایی (بیان مستقیم و غیرمستقیم)	توجه به «طبیعت» و مفهوم «بدیع منظر»
بندرانزلی	ساختمان شهرداری	✓	✓	✓	✓	✓
	ساختمان ترنم موزیک	✓	-	✓	✓	✓
	ساختمان دادگستری	✓	✓	✓	✓	✓
	پل غازیان	✓	-	✓	✓	✓

با توجه به مطالعه تطبیقی همراه با جزئیات شاخص‌های شبه‌رمانتیسم در بناهای دولتی استان شهر بندرانزلی که همراه با جزئیات در ذیل هر بنا صورت پذیرفت، در جدول شماره ۱۳ سعی کردیم تا ۴ بنای مذکور را در یک جدول مورد تطبیق و مقایسه قرار دهیم تا به این نتیجه برسیم که با توجه به رعایت بیشتر شاخص‌ها در بناهای دولتی شهر بندر انزلی، رویکرد شبه‌رمانتیسم آمرانه(در معنای دوران گذار از سنت به مدرنیته با رویکرد از بالا به پایین در جامعه)، در دوره پهلوی اول به معنای کامل تحقق پیدا کرده است و ما شاهد تحقق «عصر رمانتیک بندر انزلی» در دوره‌ی مذکور هستیم.

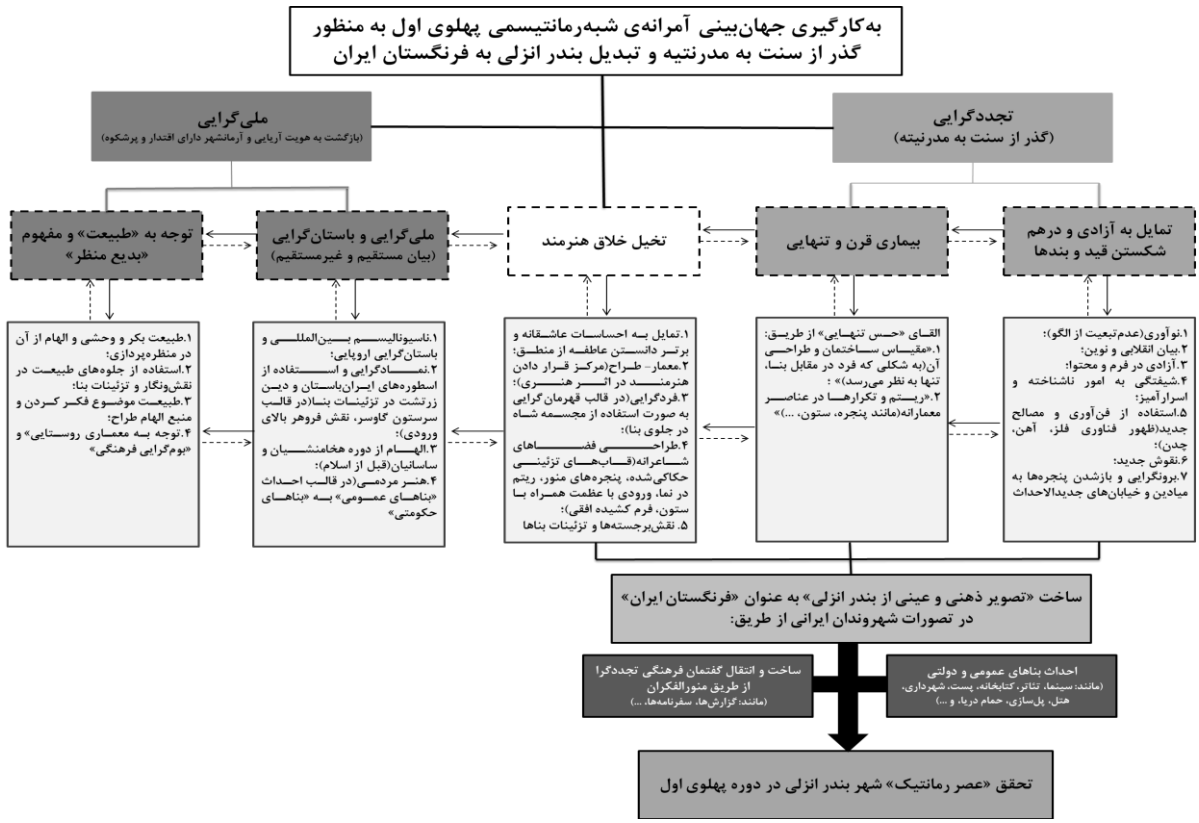

شکل ۴. فرآیند تحقق «عصر رمانتیک در بندر انزلی» در دوره پهلوی اول

۷. نتیجه‌گیری

روی کار آمدن رضاشاه و تشکیل دولت پهلوی اول را باید آغاز دوران حکومت تجددطلب ایرانی که نماینده‌ی تبلور رؤیای منورالفکران نسل اول و دوم که دغدغه‌ی پیشرفت ایران را داشتند، دانست که با حاکمی مقتدر و فرآیندی آمرانه، امکان تحقق پیدا کرده بود. دولت پهلوی اول در شرایط اجتماعی‌ای تشکیل شد که برحسب مقتضیات زمانه و عقب‌ماندگی ایرانیان از اروپای قرن نوزدهم، می‌بایست به «نوسازی» می‌پرداخت در واقع نیاز به پذیرش عناصر پیشروی تمدن غرب، پس از یک نسل نادیده انگاشته‌شدن در عصر ناصری، با رواج‌یافتن پدیده‌ی فهمیدن «فرنگ»، شکلی جدید به خود گرفت و «جنبش تجدد ایرانی» را به صورتی سازمان‌یافته درآورد و این دولت را بر آن داشت که عهده‌دار انجام «پروژه نوسازی در ایران» باشد. از سوی دیگر مهمترین بستر و زمینه‌های اجتماعی فرهنگی که موجب مشروعیت بخشیدن به «تجددگرایی آمرانه» حکومت در این دوران می‌شد را می‌توان همراهی روشنفکران (منورالفکران) آن دوره دانست؛ روشنفکرانی که سال‌های جوانی و شکل‌گیری شخصیت خود را در کشورهای مدرن گذرانده بودند، ارزش‌های تمدن غربی را درونی می‌کردند و پس از بازگشت در ارکان دولتی استخدام می‌شدند که برای «تجددگرایی» و «تقلید» از همان جوامع به ظاهر آرمانی برنامه‌ریزی شده بود. به این ترتیب، در استان گیلان، به ویژه شهر بندر انزلی، با احداث ساختمان‌های دولتی و فضاهای شهری متأثر از شهرهای ساحلی اروپایی، آوازه‌ی شهر انزلی همه‌جا، به ویژه در پایتخت

ایران، زبانزد شده بود؛ به طوری که برخی شخصیت‌های متجدد مهم و با نفوذ سیاسی و فرهنگی تهران‌نشین برای دیدن این تغییرات و گذراندن اوقات فراغت به انزلی آمدند و در مقایسه‌ای که با شهرهای پیشرفته‌ی غربی داشتند، آن را «فرنگستان ایران» می‌نامیدند که همین موضوع نشان‌دهنده‌ی هم‌راستا بودن خواسته‌ها و آرزوهای منورالفکران آن دوره با حکومت پهلوی اول بود. این همراهی به گونه‌ای بود که حکومت وقت، از آنها به عنوان مبلغان و مروجان فرهنگ وارداتی بهره می‌برد و سعی در اعمال نوسازی از بالا به پایین در جامعه ایران را داشت. تقریبا بعد از فرآیند تجددگرایی آمرانه‌ی دوره پهلوی اول بود که شهر انزلی برای نخستین بار به عنوان «تفرج‌گاهی» برای قشر خاصی از مردم تهران درآمد که ترجیح می‌دادند اوقات فراغت خود را در این شهر بگذرانند؛ اما چرا «آمرانه»؟ زیرا همه‌ی مردم امکان بهره بردن از این شرایط را دارا نبودند و فقط افراد مورد تأیید حاکمیت می‌توانستند از این امکانات بهره‌مند گردند. ورود به خطه‌ی شمال ایران در این دوره (به دلیل وجود املاک اختصاصی رضاشاه)، نسبت به سایر نقاط، بسیار سخت‌تر بود و تشریفات اداری خاصی (شامل: پرسش درباره سفر، مشخصات مسافران و مسیر دقیق سفر، و ...) داشت؛ به عبارت دیگر، به همه‌ی افراد جامعه اجازه‌ی ورود نمی‌دادند مگر شهربانی کل کشور و اداره‌ی سیاسی، آن شخص را تأیید کند و در صورت تأیید هم مسافران به «عدم‌ارتباط با افراد محلی» و «عدم عکس‌برداری» نیز متعهد می‌شدند. در رابطه با شاخصه‌هایی که منورالفکران را مجاب می‌کرد تا انزلی را آرمانشهر رویایی خود بدانند، ابتدا می‌بایست دارا بودن فضاهای شهری متأثر از اروپا را مؤثر دانست (فضاهایی مانند بولوار، پلاژ و ساحلی که حمام آفتاب می‌گرفتند، قبرستان با ساختار شکلی جدید و نو، و ...)؛ همگی اینها را می‌توان جزء شاخصه‌ها در فضاهای شهری دانست اما در حوزه‌ی معماری اولین گام در گذر از سنت به مدرنیته را می‌توان استفاده از «معمار- طراح» در طراحی بناها دانست که یا توسط معماران خارجی این کار صورت می‌پذیرفت و یا معماران ایرانی که در خارج از ایران تحصیل کرده بودند. استفاده از «فن‌آوری‌های جدید» مانند پل غازیان و «مصالح و نقوش جدید» که متأثر از معماری روسیه تزاری و باکو بود مانند عمارت بلدیه (شهرداری) که دارای سالن اجتماعات، تئاتر و سینما بود، از عوامل شبه‌رمانتیسمی می‌باشند که حکومت پهلوی اول به منظور مشروعیت بخشیدن به اقدامات خویش، از آنها استفاده نمود.

منابع

- اویسی کهخا، عبدالعلی. (۱۳۹۱)، بررسی رمانتیسم و بازتاب آن در شعر حسن هنرمندی، نشریه پژوهشنامه ادب غنایی- دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۱۰، شماره ۱۸، صص۵- ۳۸.
- آزبورن، پیتر. (۱۳۷۹)، مدرنیته :گذار از گذشته به حال، در کتاب: مدرنیته و مدرنیسم: مجموعه مقالاتی در سیاست، فرهنگ و نظریه اجتماعی، ترجمه و تألیف: حسینعلی نوذری، تهران: شرکت انتشارات نقش جهان مهر.
- بانی‌مسعود، امیر. (۱۳۹۹)، معماری معاصر در ایران؛ از سال ۱۳۰۴ تا کنون، چاپ دوم، مشهد: کتابکده کسری (چاپ اول: ۱۳۹۹).
- بانی‌مسعود، امیر. (۱۴۰۰)، معماری غرب: ریشه‌ها و مفاهیم. چاپ دهم، تهران: نشر هنر معماری قرن (چاپ اول: ۱۳۹۲).
- تارنمای دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران. <http://www.iranarchpedia.ir> .
- تقی‌لو، فرامرز و حسینی، سید مجتبی. (۱۴۰۰)، تجدد آمرانه و ظهور سیاسی در ایران با تأکید بر فدائیان اسلام، نشریه تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال ۱۲، شماره ۲۶، صص ۶۵- ۸۵.
- تیژم، فلیپ وان. (۱۳۷۰)، رمانتیسم در فرانسه. ترجمه: غلامعلی سیار، تهران: انتشارات بزرگمهر.

– ثروت، منصور. (۱۳۸۲)، مکتب رمانتیسم، نشریه پیک نور، سال ۱، شماره ۲، صص ۴۰– ۵۸.
– جعفری‌جوزی، مسعود. (۱۳۸۶)، سیر رمانتیسم در ایران: از مشروطه تا نیما، تهران: نشر مرکز.
– حقیر، سعید. (۱۳۸۷)، سبک‌شناسی «آر– نوو» در معماری معاصر ایران، نشریه علمی هنرهای زیبا– معماری و شهرسازی، شماره ۳۵، صص۶۳– ۷۴.
– خادم، مریم. (۱۳۹۰)، رمانتیسم از انگلیس تا ایران؛ نگاهی به جلوه‌های مکتب رمانتیسم در شعر ویلیام بلیک و پروین اعتصامی، نشریه پژوهشنامه‌ی فرهنگ و ادب، سال ۷، شماره ۱۲، صص ۱۳۱– ۱۶۰.
– دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
– زندیه، حسن و اسماعیلی، محسن. (۱۳۹۰)، روح نامرئی شعر فارسی؛ تأثیر عامل‌های سیاسی و اجتماعی عصر پهلوی بر فراز و فرود رمانتیسم فارسی. نشریه علمی جستارهای تاریخی، سال ۲، شماره ۱، صص ۱۲۷– ۱۵۵ .
– سه‌یر، رابرت و لووی، میشل. (۱۳۸۶)، رمانتیسم و تفکر اجتماعی، ترجمه: یوسف اباذری، فصلنامه ارغنون، شماره ۲، صص ۱۱۹– ۱۷۴.
– سید قطبی، سید مهدی. (۱۳۹۶)، پنج سفرنامه گیلان به قلم روزنامه‌نگاران دوره‌ی قاجار و پهلوی(ادموند ادنوان، سعید نفیسی، علی‌اکبر سیاسی، سلطان‌محمد عامری، عباس مسعودی) ۱۲۵۹– ۱۳۱۵ شمسی، رشت: فرهنگ ایلیا.
– سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۷)، مکتب‌های ادبی– جلد ۱، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات نگاه (چاپ اول: ۱۳۸۵).
– شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۹)، شعر معاصر عرب، تهران: نشر توس.
– شلومو، ژان لوک. (۱۳۹۴)، نظریه‌های هنر: فلسفه، نقد و تاریخ هنر از زمان افلاطون تا روزگار ما، ترجمه: مصطفی گودرزی، تهران: انتشارات ساقی.
– شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳)، مکتب‌های ادبی، چاپ پنجم، تهران: نشر مرکز.
– صداقتی، زهرا و سلیمانی، زهرا. (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی مکتب رمانتیسم در اشعار سهراب سپهری و جبران خلیل‌جبران. فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۱۰۱– ۱۲۲.
– عباسی، مسلم. (۱۳۸۷)، نامه فرنگستان و فکر تجدد آمرانه، نشریه یاد، شماره ۸۷، صص ۱۲۹– ۱۶۷.
– عظیمی، ناصر. (۱۳۹۹)، تاریخ گیلان(از آمدن سردار سپه تا برافتادن رضاشاه)، رشت: فرهنگ ایلیا.
– عمید، حسن. (۱۳۷۴)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر (چاپ اول: ۱۳۶۳).
– فاضلی، نعمتا... و سلیمانی قره‌گل، هادی. (۱۳۹۱)، نقش روشنفکران اواخر دوره قاجار در شکل‌گیری نخستین دولت مدرن در ایران، نشریه جامعه‌شناسی تاریخی، سال ۴، شماره ۲، صص ۱– ۴۶.
– فتوحی، محمود. (۱۳۸۳)، رمانتیسم اسلاوی و بازسازی هویت ملی، نشریه کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۷۹، صص۶۶– ۷۱.
– فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۱)، شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب، چاپ سوم، تهران: نشر فضا (چاپ اول: ۱۳۷۱).
– فوران، جان. (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه: احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
– کاپن، دیوید اسمیت. (۱۳۸۳)، مبانی نظری معماری، ترجمه: علی یاران، تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

– کاتم، ریجارد. (۱۳۹۶)، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه: احمد تدین، چاپ پنجم، تهران: نشر کویر.
– کالینز، پیتر. (۱۳۸۷)، تاریخ تئوری معماری : دگرگونی آرمانها در معماری مدرن، ترجمه: حسین حسین‌پور، تهران: نشر قطره.
– کانال معماران معاصر گیلان. <http://www.instagram.com/contemporary_architecture_gilan> .
– کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳)، معماری پهلوی اول، دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست‌ساله معاصر ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
– گاردنر، هلن. (۱۳۸۵)، هنر در گذر زمان، ترجمه: محمدتقی فرامرزی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات آگاه.
– مانیاگو لامپونیانی، ویتوریو. (۱۳۹۰)، معماری و شهرسازی در قرن بیستم، ترجمه: لادن اعتضادی، چاپ چهارم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی (چاپ اول: ۱۳۸۸).
– مبرهن شفیعی، نیکروز. (۱۳۹۰)، خانه‌های تاریخی گیلان(دانشنامه فرهنگ و تمدن گیلان: ۳۷)، رشت: فرهنگ ایلیا.
– محمدپور، محمدامین و باباصفری، علی‌اصغر. (۱۳۹۶)، رمانتیسم در شعر هوشنگ ابتهاج، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۵۳، ۷۷– ۹۸.
– محمودی، مهناز. (۱۳۸۳)، رمانتیسم، بنیان‌های معرفت‌شناختی و نمود آن در هنر و معماری، نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۷۷ و ۷۸، صص ۱۱۶– ۱۲۴.
– مختاری‌طالقانی، اسکندر. (۱۳۹۰)، میراث معماری مدرن ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
– مسعودی، عباس. (۱۳۹۱)، یادداشت‌های مسافرت گیلان، به کوشش: عل امیری، رشت: فرهنگ ایلیا.
– معین، محمد. (۱۳۴۳)، فرهنگ فارسی: اعلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
– مهدوی‌نژاد، محمدجواد و ابراهیمی، رویا و مهبادی، فاطمه. (۱۳۹۰)، بررسی عناصر رمانتیک در ادبیات و معماری، نشریه علمی پژوهش هنر، سال ۱، شماره ۱، صص۱۷– ۳۲.
– میری‌نژاد، سهیل. (۱۳۹۲)، رمانتیسم در معماری معماصر ایران(با تأکید بر معماری دوره پهلوی دوم پس از سال ۱۳۳۲ شمسی)، نشریه علمی هنرهای زیبا، سال ۱۸، شماره ۱، صص ۹۱– ۱۰۲ .
– نظری، علی و نجفی‌حاجیور، مهران و خلیلی، پروین. (۱۳۹۷)، جلوه‌های مکتب رمانتیسم در ادب معاصر عربی و فارسی(مطالعه مورد پژوهش: شعر علی محمود طه و محمدحسین شهریار)، نشریه علمی کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی(مطالعه تطبیقی عربی– فارسی)، سال ۸، شماره ۳۱، صص ۱۶۵– ۱۸۶.
– وکیلی، شروین. (۱۳۷۹)، سرخ، سپید، سبز: شرحی بر رمانتیسم ایرانی، تهران: مؤسسه فرهنگی خورشید راگا.
– ولک، رنه. (۱۳۷۷)، مفهوم رمانتی‌سیسم در تاریخ ادبی، ترجمه: مجتبی عبداله‌نژاد، تهران: انتشارات محقق.
– همایون‌کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۲)، صادق هدایت؛ از افسانه تا واقعیت، ترجمه: فیروزه مهاجر، تهران: نشر طرح نو.
– همایون‌کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۸۰)، دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه: حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- Abbasi, Moslem. (1387), The Letter of Farangistan And Authoritarian Modernist Thought, The Journal of Yad, (87): 129-167 [In Persian].

- Amid, Hassan. (1995), Farhang-e-Farsi Amid, 5th edition, Tehran: Amirkabir Publication(1st edition: 1984) [In Persian].

- Azimi, Nasser (2019), History of Guilan(From The Arrival of Sardar Sepeh to The Departure of Reza Shah), Rasht: Farhang-e-Ilia Publication [In Persian].

- Bani Mas'ud, Amir. (2020), Contemporary Architecture In Iran; From 1304 Until Now, Mashhad: Kasra Publishing [In Persian].

- Bani Mas'ud, Amir. (2021), Western Architecture: Roots And Concepts, Tenth Print, Tehran: Honar-e Me'mari-e Qarn Publication [In Persian].

- Capon, David Smith. (2004), Theoretical Foundations of Architecture, Translated by: Ali Yaran, Tehran: Islamic Azad University Publishing, Department of Science and Research [In Persian].

- Chalumeau, Jean-Luc. (1994), Les Theories de l'art: Philosophie, Critique et Historie de l'art de Platon a nos Jours, Paris: La Librairie Vuibert.

- Chalumeau, Jean-Luc. (2013), Les Theories de l'art: Philosophie, Critique et Historie de l'art de Platon a nos Jours, Translated by: Mostafa Godarzi, Tehran: Saghi Publication [In Persian].

- Collins, Peter. (2008), History of Architectural Theory: The Transformation of Ideals in Modern Architecture, Translated by: Hossein Hosseinpour, Tehran: Ghatreh Publication [In Persian].

- Cottam, Richard. (2017), Nationalism In Iran, Translated by: Ahmad Tadayyon, 5th edition, Tehran: Kavir Publication [In Persian].

- Cronin, Stephani. (2003), The Making of Modern Iran(State and Society Under Riza Shah, 1921- 42). London and New York: Routledge Curzon.

- Dehkhoda, Ali Akbar. (1994), Dehkhoda Dictionary, Tehran: University of Tehran Press [In Persian].

- Falamaki, M.Mansour. (2013), La formation de l' Architecture Dans les Experiences de l' Iran rt des Pays de l' OCCIDENT, Third Edition, Tehran: Faza Scientific and Cultural Institute [In Persian].

- Fazeli, Nematollah., & Soleymani gharegol, Hadi. (2012), The Role of Late Qajar Period Intellectuals in the Formation of the First Modern State in Iran, Journal of Historical Sociology(JHS), 4(2):1-45 [In Persian].

- Foran, John. (1998), Fragile Resistance: Social Transformation In Iran from 1500 to the Revolution, Translated by: Ahmad Tadayyon, Tehran: Rasa Publication [In Persian].

- Fotuhi, Mahmoud. (2013), Slavic Romanticism and the Reconstruction of National Identity, literature and philosophy Publication Book, (79): 66-71 [In Persian].

- Gardner's, Helen. (2006), Art Through The Age, Translated by: Mohammad Taghi Faramarzi, 5th Edition, Tehran: Agah Publication [In Persian].

- Haghir, Saeed. (2008), Stylistics of Art-Nouveau in the Contemporary Architecture of IRAN, Journal of Honar-ha-ye-Ziba-Memari-va-Shahrsazi(JFAUP), (35): 63- 74 [In Persian].

- Homayun Katouzian, Mohammad Ali. (2002), Sadeq Hedayat: The Life and Legend of an Iranian Writer, London and New York: I. B. Tauris(Original Edition: 1991).

- Homayun Katouzian, Mohammad Ali. (2006), State and Society in Iran: The Eclipse of the Qajars and the Rise of the Pahlavis, London and New York: I. B. Tauris(Original Edition: 2000).

- Jafarijazeh, Masood. (2007), The Course of Romanticism in Iran: From the Constitutional Revolution To Nima, Tehran: Markaz Publication [In Persian].

- Khadem, Maryam. (2011), Romanticism from England to Iran: A glance at the manifestation of Romanticism in the poetry of William Blake and Parvin E'tesami, , The Journal of Epic Literature(JPNFA), 7(12): 131-160 [In Persian].

- Kiani, Mostafa. (2013), Pahlavi Architecture, The Transformation of Ideas, the Emergence and Formation of Contemporary Iranian Twenty-year Architecture, Tehran: Iran Institute of Contemporary History Studies [In Persian].

- Magnago Lampugnani, Vittorio. (1985), Architecture and City Planning In The Twentieth Century, New York: Van Nostrand Reinhold Company.

- Mahdavi Nejad, Mohammad Javad., & Ebrahimi, Roya., and Mahbadi, Fatemeh. (2012), The Romantic Elements in Literature and Architecture, Journal of Pazhuhesh-e Honar, 1(1): 17- 32 [In Persian].

- Mahmoudi, Mahnaz. (2004), Romanticism, Epistemological Foundations and Its Manifestation In Art and Architecture, Mah-e-Honar Book, (77 and 78): 116-124 [In Persian].

- Masoudi, Abbas. (2012), Guilan Travel Notes, Edited by: Ali Amiri, Rasht: Farhang-e-Ilia Publication [In Persian].

- Miri Nezhad, Soheil. (2013), Romanticism In Iranian Contemporary Architecture, Journal of Honar-ha-ye-Ziba-Memari-va-Shahrsazi(JFAUP), 18(1): 91- 102 [In Persian].

- Mobarhan Shafiee, Nikrouz. (2011), The Historical Buildings of Guilan, Rasht: Farhang-e-Ilia Publication [In Persian].

- Moeen, Mohammad. (1964), Persian Culture, Tehran: Amir Kabir Publication [In Persian].

- Mohammadpour, Mohammad Amin., & Babasafari, Ali Asghar. (2016), Romanticism in the Poetry of Hoshang Ebtehaj, Persian Language and Literature Quarterly, (53): 77-98 [In Persian].

- Mokhtari Taleghani, Eskandar. (2011), Heritage of Modern Iranian Architecture, Tehran: Cultural Research Office [In Persian].

- Nazari, Ali., & Najafi Hajipour, Mehran., and Khalili, Parvin. (2018), The Romantic Manifestations in the Arabic and Persian Contemporary Literature; in the Poems of Ali Mahmod Taha and Mohammad-Hossein Shahriar, Journal of Research in Comparative Literature, 8(31): 165- 186 [In Persian].

- Osborne, Peter. (2000), Modernity: Transition From The Past to The Present, In: Modernity and Modernism: A Collection of Essays in Politics, Culture and Social Theory, translated and authored by Hossein Ali Nozri, Tehran: Naqsh Jahan Mehr Publishing Company [In Persian].

- Owaisi Kokha, Abdul Ali. (2012), Structural Analysis of Khosrow-o- Shirin & Leyli-o- Majnoun Based Upon Oriental Narration, Journal of Lyrical Literature Researches(JLLR), 10(18): 5-38 [In Persian].

- Sayre, Robert., & Lowy, Michael. (2006), Romanticism and Social Thought, Translated by: Youssef Abazari, Organon Quarterly, (2): 119-174 [In Persian].

- Sedaqati, Zahra., & Soleymani, Zahra. (2013), A Comparative study of Romanticism in the Poems of Sohrab Sepehri and Jibran Khalil Jibran, Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda), 4(14): 101- 122 [In Persian].

- Seyed Hosseini, Reza. (2008), Literary Schools-Volume 1, 15th edition, Tehran: Negah Publication [In Persian].

- Seyyed Qutbi, Seyyed Mahdi. (2016), Five Travelogues of Guilan Written By Qajar and Pahlavi Period Journalists(Edmund Adwanan, Saeed Nafisi, Ali Akbar Siasi, Sultan Mohammad Ameri, Abbas Masoudi) 1315-1259, Rasht: Farhang-e-Ilia Publication [In Persian].

- Shafiei-e-Kadkani, Mohammad Reza. (1980), Arab contemporary poetry, Mashhad: Toos Publication [In Persian].

- Shamisa, Siros. (2013), Literary Schools, Fifth Edition, Tehran: Markaz Publication [In Persian].

- Taghilou, Faramarz., & Hoseini, Seyyed Mojtaba. (2021), Authoritarian Modernity and the Emergence of the Political Islam in Iran with an Emphasis on the Devotees of Islam, Journal of Iranian Islamic Period History, 12(26): 65- 87 [In Persian].

- Thervat, Mansour. (2003), Romanticism, Peike Noor Journal, 1(2): 40-58.

- Tieghem, Philippe Van. (1974), Le Romantisme Francais, Translated by: Gholamali Sayyar, Tehran: Bozorgmehr Publication [In Persian].

- Vakili, Shervin. (2000), Red, White, Green: A Commentary on Iranian Romanticism, Tehran: Khorshidraga Institute [In Persian].

- Wellek, Rene. (1998), Concept of Romanticism In Literary History, Translated by: Mojtaba Abdollah Nejad, Mashhad: Mohaghghegh Publication [In Persian].

- www.anzaliclub.ir

- www.instagram.com/contemporary_architecture_gilan

- www.iranarchpedia.ir

- www.moroor.org

- www.wiki.ahlolbait.com

- Zandieh, Hasan., & Ismā'ili, Mohsen. (2011), The Invisible Spirit of Persian Poetry: The Impact of Socio-Political Factors in Pahlavīd Era on the Rise and Fall of Persian Romanticism, The Journal of Historical Studies, 2(1): 127- 155 [In Persian].

The Dictatorial Quasi-Romanticism of The First Pahlavi Government In The City of Bandar Anzali

Erfan Khasm Afkan Nezam*[1], Mostafa Kiani[2]

Received: 17 January 2023 Revise Date: 18 February 2023 Accepted: 10 March 2023

Abstract

The nostalgic longing for "passing from tradition to modernity (modernism)" and "returning to the past with authority and splendor (nationalism)" forms the essence of the worldview of "Iranian pseudo-romanticism" in the first Pahlavi period. This worldview and intellectual philosophy, of which literature and architecture were only one of the fields of its emergence and in the social and political fields, in the form of intellectual movements that stimulated Iranian nationalism or nationalism as a way to integrate and empower Iran in Reza Khan's government and caused the transformation of Iran became a stable and secure country. One of the ways of implementing Reza Khan's "Imperial Theory" was the use of art and especially architecture. Therefore, the current research seeks to find the answer to the question that the worldview of Iranian pseudo-romanticism in order to legitimize the modernist actions of the first Pahlavi government, "how and with what indicators and components were manifested in the architecture of government buildings in Bandar Anzali city?" "Was the image created by the government in line with the opinion of the intellectuals?" Therefore, the research is a qualitative and applied type, using the comparative method through the method of library studies. The results of the research show that in addition to Pahlavi's cultural discourse to realize his modernist approach through architecture in the form of building "Government Buildings" modeled after European architecture, it is necessary to create mental images in the citizens through the accompaniment of intellectuals of that period in the form of "reports and travelogues". In order to encourage citizens to modernize, we should also consider it. It was almost after the modernization process of the first Pahlavi period that the city of Anzali became a "resort" for the first time for Tehranians who preferred to spend their free time in this city to the point where everyone called it "Fangistan of Iran". According to the results of the research, we witness the realization of the "romantic era of the city of Bandar Anzali" in the first Pahlavi period.

Keywords: Romanticism, Iranian Quasi-Romanticism, First Pahlavi, Dictatorial Modernism, Architecture of Government Buildings, Bandar Anzali

[1] PhD Candidate of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email:erfannezam@yahoo.com
[2] Associated Professor of Architecture, Faculty of Architecture, Tehran University of Art, Tehran, Iran.